

جنگ و برجسته شدن جوانب بین المللی آن

کانون این تلاشها طرحی قرار دارد که در شورای امنیت سازمان ملل متحد در دست بررسی است. خبرگزاريهای بين المللی در هفته گذشته این خبر را انتشار دادند که پنج عضواي شورای امنیت (اتحاد شوروی، آمریکا، چین، فرانسه و انگلستان) اکنون بر سر خطوط اصلی طرح پایان دادن به جنگ ایران و عراق به توافق رسیده اند. بر مبنای نکات تاکنون مورد توافق، به هر دو کشور پیشنهاد داده می شود که اعلام آتش بس کرده و نیروهای خود را به پشت مرزهای قبل از جنگ، پس بکشند و برای مذاکره بقیه در صفحه ۲

جنگ ایران و عراق به زودی هفت ساله می شود. در طول هفت ساله گذشته، کمتر پیش آمده است که جوانب بین المللی جنگ، تاحدی که امروزه شاهد آن هستیم، برجستگی داشته باشد. این جوانب بین المللی را نه تنها تحلیلگران این جنگ ارتجاعی، بلکه رهبران جمهوری اسلامی نیز - به عنوان ادامه دهندگان اصلی جنگ - به اجبار باید در مجموعه بررسی ها و محاسبات خود، قویا دخالت دهند.

تلاشهای بین المللی برای پایان دادن به جنگ ایران و عراق در هفته های اخیر تشدید شده است. در

اکثریت

نشریه سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

دوشنبه ۲۲ تیر ۱۳۶۶ برابر ۱۲ ژوئیه ۱۹۸۷
بها ۸۰ ریال - سال چهارم - شماره ۱۶۵

بحران ارزی، تنگناهای آمودها

پیکیری دقیق تحولات بازار جهانی نفت در ارزیابی از حدت و دامنه بحران اقتصاد تک محصولی کشور - و از آن بین بحران حاد ارزی - از اهمیت ویژه ای برخوردار است. اهمیت این موضوع هم از اینروست که بخش اعظم درآمد ارزی کشور محصول صدور و فروش نفت بوده و همچنین سهم کلان درآمد عمومی کشور - درآمد ارزی و ریالی - نیز بگونه ای مستقیم و یا غیر مستقیم به نفت وابسته است. مادر شماره گذشته، در مقاله "تثبیت بها و مقابله با نوسانات بازار نفت" به آخرین تحولات بازار جهانی این کالا و همچنین به آخرین تصمیمات سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) پرداختیم. ماحصل نخست گردهمایی وزرای نفت اوپک، تثبیت بهای نفت در حد ۱۸ دلار برای هر بشکه بود. اینک ضرورت دارد که تاثیر و یا تاثیرات این تحولات بر زمینه بحران حاد ارزی و بحران اقتصادی رژیم در کلیت آن، تعقیب گردد. بررسی این تاثیرات در مجموعه خود در یک مقاله میسر نیست و این مقاله تنها موضوع بحران ارزی رژیم را بهادر نظر داشتن تثبیت بهای نفت دنبال می کند.

برای دریافت ابعاد بحران ارزی رژیم، جا دارد بر یک نکته و آنهم نقش نفت در کل بافت اقتصادی رژیم تاکید گردد. درواقع هرگاه از مختصر درآمد ارزی ناشی از صدور کالاهای غیرنفتی بقیه در صفحه ۱

پرتوان تر باد جنبش کارگری!



جنبش کارگری میهن ماکه آن نقش عظیم را در براندازی نظام سلطنت و تاراندن دارودسته شاه آمریکایی ایفا کرد، علیرغم همه فزونی و فرودها به پیش می رود. هیچ چیز در هیچ زمانی نمی تواند و نخواهد توانست این جنبش را از خروش بازدارد. مبارزات جمعی کارگران در شرایط کنونی - شرایطی که این همه سخت و دشوار است - مستمرا ادامه دارد. اشکال حرکت و عنوان خواسته ها دگرگونی می پذیرد، اما حرکت پایدار است. کارگران چه در راه خواسته های برحق خود و ویژه خویش و چه در راه مطالبات مشترک همه خلق مبارزه می کنند. برای همه مردم، مصائب حاصله از جنگ و دردهای ناشی از استقرار یکی از مهیب ترین حکومت های سرکوبگر بر میهن ما، بی حد و اندازه است، اما داغ این مصیبت ها و دردها بر کارگران که قربانیان اصلی جنایات خمینی هستند چنان خفناک است که بارنج و درد هیچ طبقه و قشر دیگری در قیاس نمی نشیند. کارگران در مبارزه مستمر برای دستیابی به حقوق خویش، به مبارزه با حکومتی برخاسته اند که دشمن همه مردم زحمتکش و آزاده میهن ماست. دستیابی به صلح و آزادی و سعادت پایدار در گرو سرانجام این مبارزه است.

به خبرهایی کوتاه از جنبش کارگری در صفحات ۶ و ۷ توجه کنید.

یورش وحشیانه مزدوران خمینی به ایرانیان در کراچی

محله کلیفتن به پخش نشریات مشغول بودند، صورت گرفت. در پی این یورش، پلیس پاکستان نیز در دفاع از چاقاران خمینی وارد درگیری شد و جمع کثیری از پناهندگان را دستگیر کرد. یکی از پناهندگان ایرانی بر اثر ضربه چاقوی مزدوران مجروح و در بیمارستان بستری شد.

سردسته چاقاداران، فردی به نام داریوش است. او هم پناهندگان را به بهانه فرستادنشان به کشورهای دیگر سرکشی می کند و هم سرش در آخور کنسولگری جمهوری اسلامی است. گزارشهایی حاکی از دخالت این فرد در قاچاق هروئین و اسلحه است. نکته مهم در رابطه با درگیریهای کراچی، دخالت رژیم آمریکایی ضیا الحق به سود مزدوران خمینی است. مطبوعات ارتجاعی پاکستان از ماهها پیش بطور مرتب تبلیغاتی حاکی از به اصطلاح دست داشتن پناهندگان ایرانی در اعمال غیرقانونی دامن می زنند. پلیس پاکستان با استفاده از همین فضا تضيیقات دامنه داری علیه پناهندگان ایرانی به بقیه در صفحه ۲

هفته گذشته در ادامه یک سلسله اقدامات رذیله و چماق کشی های مزدوران خمینی در شهر کراچی پاکستان، خانه های پناهندگان ایرانی در محله کلیفتن این شهر مورد یورش این مزدوران قرار گرفت. بنا به برخی گزارشها، در جریان این یورش سه تن از پناهندگان ایرانی به دست چاقاکنکاران به قتل رسیدند.

در شماره ۱۵۷ نشریه، خبر از حمله شش اردیبهشت ماه چاقاداران حزب الهی و همدستان پاکستانی آنها به تظاهرات ایستاده پناهندگان در برابر دفتر سازمان ملل متحد در کراچی دادیم. پیش از آن نیز در "اکثریت" اخبار مربوط به فشارهای دولت پاکستان بر پناهندگان ایرانی و عدم پاسخگویی مسئولان دفتر سازمان ملل در کراچی به خواستهای پناهندگان، درج شده بود.

از چند ماه پیش، حملات حزب الهی ها به پناهندگان ایرانی در کراچی به طور مداوم ادامه داشته است. در روز دوم تیرماه نیز یورش گسترده ای علیه عده ای از هواداران سازمان مجاهدین خلق که در

در این شماره

در روستاهای مازندران

در صفحه ۸

نفت، با اسکورت یابی اسکورت

در صفحه ۲

مبارزات پناهندگان ایرانی در سوئیس

در صفحه ۱۲

در فیلیپین چه می گذرد؟

در صفحه ۱۲

اروپا

شعری از والت ویتمن

در صفحه ۹

مباحثات در مجلس خبرگان پیرامون جانشینی خمینی

روزنامه‌های تهران در روز دهم تیرماه خردادند که در اجلاس اخیر مجلس خبرگان، شرکت کنندگان علاوه بر مسایل مختلف "پیشنهادات اصل ۱۰۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی را نیز مورد بررسی قرار دادند." اصل ۱۰۷ قانون اساسی رژیم فقها، ناظر بر چگونگی گزینش ولی فقیه است و بررسی آن در مجلس خبرگان به معنی مباحثات تازه برای تعیین جانشین خمینی است. در اصل ۱۰۷ آمده است که "هرگاه یکی از فقهای واجد شرایط مذکور در اصل پنجم این قانون از طرف اکثریت قاطع مردم به مرجعیت و رهبری شناخته و پذیرفته شده باشد... این رهبر، ولایت امر و همه مسئولیتهای ناشی از آن را بر عهده دارد. در غیر این صورت خبرگان منتخب مردم در باره همه کسانی که صلاحیت مرجعیت و رهبری دارند بررسی و مشورت می‌کنند. هرگاه یک مرجع را دارای برجستگی خاص برای رهبری بپایند او را به عنوان رهبر به مردم معرفی می‌نمایند، وگرنه سه یا پنج مرجع واجد شرایط رهبری را به عنوان اعضای شورای رهبری تعیین و به مردم معرفی می‌کنند." بدنبال اجلاس پیشین خبرگان، در اوایل سال گذشته اعلام گردیده بود که آیت الله منتظری با استناد به همین اصل به جانشینی خمینی برگزیده شده است. بدنبال ماجرای مهدی هاشمی و دیگر رویدادهای نیمه دوم سال قبل ولایتعهدی منتظری با علامت سؤال بزرگی مواجه گردید.

اجلاس اخیر خبرگان به مدت ۲ روز از ۸ تا ۱۱ تیرماه برپا شده بود. بدنبال آن در روز ۱۱ تیرماه، مشکینی رئیس مجلس خبرگان طی گزارشی به خمینی اعلام داشت که "اجلاس نتوانست تمام وظایف خود را انجام دهد" بدنبال این اجلاس، در روز ۱۲ تیرماه از سوی خمینی، احمد خمینی روانه قم شد و با منتظری دیدار کرد. اگرچه مطبوعات رژیم به محور مذاکرات و مضمون پیام خمینی به منتظری اشاره‌ای نکرده‌اند، اما پیکمان موضوع گفتگو، موقعیت آتی منتظری در دستگاه رهبری رژیم فقها بود. روزنامه کیهان (۱۴ تیرماه) که خبر دیدار را منتشر ساخت تنها نوشت که این دیدار سه ساعت به طول انجامید و طی آن "مسایل مختلف" مورد بحث و گفتگو قرار گرفت.

جنگ و برجسته شدن جوانب بین‌المللی آن

بقیه از صفحه اول

خروج همه کشتی‌های جنگی از منطقه، این پیشنهاد را رد کرد. بیکر، رئیس کارکنان کاخ سفید، در روز یکشنبه ۵ ژوئیه اعلام داشت که "حضور تاریخی" ایالات متحده در آبهای خلیج فارس مرکز نباید نادیده گرفته شده و پایان یابد."

از سوی دیگر یک اطلاعیه رسمی دولت آمریکا در روز ۶ ژوئیه حاکی از آن بود که پمپ افکنهای سبک و هواپیماهای شکاری واکتشافی این کشور که از عرشه یک ناو هواپیما بر به پرواز در آمده بودند، بر فراز تنگه هرمز دست به یک تمرین نظامی زده‌اند. در این اطلاعیه انجام این مانور نظامی به موضوع استقرار موشکهای موسوم به "کرم ابریشم" از سوی جمهوری اسلامی در دهانه تنگه هرمز، که گفته می‌شود یک روز پس از استقرار بر چیده شده‌اند، ربط داده نشده است. روزنامه واشنگتن پست نیز در شماره ۶ ژوئیه خود نوشت که در روزهای پایانی هفته منتهی به روز یکشنبه ۵ ژوئیه چنکده‌های آمریکایی بر فراز خلیج فارس، به پرواز در آمده‌اند. این روزنامه همچنین به نقل از محافظی در وزارت دفاع آمریکا نوشت، هواپیماهای جنگی ناو هواپیما بر کنستلیشن مستقر در دریای عرب، برای حمله به موشکهای مستقر شده در دهانه تنگه هرمز، آمادگی داشته‌اند. مقامات دولت آمریکا هنوز - هرچند با صراحتی کمتر از ماه ژوئن گذشته - دست زدن به "اقدامات پیشگیری" کننده را منتفی نمی‌دانند.

آمریکا بین کاهش تشنج در منطقه و تداوم باصللاح "حضور تاریخی" خود در منطقه، طبیعتاً دومی را مهنا قرار می‌دهد و می‌کوشد این "حضور تاریخی" را به هر نحوی حفظ کند، از جمله با قراردادن پرچم خود بر فراز نفت کش‌های کوییتی، اما در این میان، مساله کشورهای عربی منطقه خلیج فارس نیز مطرح است و نیز منافع اروپای غربی و ژاپن. کارتل‌های نفتی در آمریکا نیز نمی‌خواهند تشنج تا بدان حد پیش رود که صدور نفت از منطقه دچار اختلال گردد. آمریکا با فاکتورهای متناقضی مواجه است. هریک از محافل درونی حیات حاکمه آمریکا نیز یکی از این فاکتورها را برای خود عمده می‌سازند.

آمریکایی‌ها کوشیده تشنج در خلیج بارکامپیش مستقری از جنگ ایران و

آماده شوند. نکته‌ای که هنوز ناروش مانده است این است که در صورتی که یک طرف و در واقع جمهوری اسلامی، طرح را نپذیرفت باید مورد چه رفتاری قرار گیرد.

عمدتاً از پیشنهاد تحریم تسلیحاتی سخن گفته می‌شود. هنوز بر سر این پیشنهاد توافق روشن و معینی صورت نگرفته است.

موضع آمریکا چیست؟ آمریکا تاکنون در حرف دم از تشنج زدایی می‌زند اما در عمل بر شدت تشنج در منطقه می‌افزاید. آمریکا اکنون می‌گوید خواهان پایان یافتن جنگ است، اما در همان حال می‌گوید برای منطقه‌ای شدن جنگ آمادگی دارد و به راستی نیز در این زمینه تدارک دیده است، امری که چشم انداز آن برای خود آمریکا نیز تیره و تار است.

موضع گیری آمریکا در مورد پیشنهاد اتحاد شوروی مبنی بر خروج همه کشتی‌های جنگی بیگانه از آبهای منطقه در این زمینه کاملاً روشنتر است. دولت اتحاد شوروی در بیانیه‌ای که در روز شنبه ۴ ژوئیه (۱۲ تیر) در روزنامه پرودا انتشار یافت، نگرانی خود را در مورد تشنج فزاینده و خطر آفرین در منطقه خلیج فارس ابراز داشت. در این بیانیه آمده است اکنون در آبهای بین‌المللی این منطقه که بطور سنتی به رفت و آمد کشتی‌های تجاری اختصاص داشته است، بر تعداد کشتی‌های جنگی و از جمله رزمناوهای کورهای که هزاران کیلومتر از منطقه فاصله دارند، افزوده می‌شود. در این بیانیه تاکید شده است تداوم جنگ ایران و عراق نقش اصلی را در وخیم شدن اوضاع منطقه بر عهده دارد. این خطر جدی است که ستیز منطقه‌ای در حد یک بحران بین‌المللی گسترش یابد.

اتحاد شوروی در این بیانیه پیشنهاد کرده است، همه دولت‌هایی که حضور آنها در منطقه موضوعیت ندارد و بیگانه محسوب می‌شوند، بلافاصله کشتی‌های جنگی خود را از منطقه بیرون بکشند. ایران و عراق به نوبه خود باید متعهد شوند که از دست زدن به اقداماتی که محل امر کشتی‌رانی بین‌المللی است، خودداری ورزند.

جنگ بین این دو کشور باید خاتمه یابد و مسائل مورد مناقشه در پشت میز مذاکره به بحث گذاشته شود. واشنگتن در اولین واکنش خود در قبال پیشنهاد اتحاد شوروی مبنی بر

عراق بدهد. جمهوری اسلامی نیز همین سیاست را در پیش دارد و با همان تناقض‌های دولت آمریکا مواجه است. برای فروزان ماندن آتش جنگ، شیرهای نفت باید بازمانند، از اینرو تنگه هرمز باید بازمانده و رفت و آمد نفت کش‌هایی در سراسر ادامه یابد، اما جنگ بدون تأثیرات منطقه‌ای نیست و به علاوه باید کانون تشنج دیگری وجود داشته باشد تا اذهان از عامل تشنج زای اصلی منحرف گردند. اکنون محدود ساختن تأثیرات منطقه‌ای و جوانب بین‌المللی جنگ به معنی محدود ساختن خود جنگ است. اما فقها خواهان جنگ محدود نیستند. جنگ خود جبهه‌هایش را و بی‌آمد هایش را تعیین می‌کند و نه فرماندهان جنگی، و از این رو نمی‌تواند اوضاع هروقت مراد فقهای پیش رود که هم خواهان جنگ نامحدودند، و هم خواهان آنند که صدور نفت بی‌دردس انجام پذیرد و نفت به راحتی به اسلحه تبدیل شود.

علت به ناکزیر معلول را از بی دارد و جنگ جدا از بی‌آمدهای منطقه‌ای و بین‌المللی‌اش نیست. جایی می‌رسد که معلول می‌تواند در مقابل علت قرار گیرد. جنگ اکنون به چنین نقله‌ای رسیده است و از همین روست که از برجسته‌تر شدن جوانب بین‌المللی جنگ سخن می‌گوییم.

برجسته‌تر شدن جوانب بین‌المللی جنگ، وزن فاکتورهای مختلف بین‌المللی دخیل در جنگ را تغییر می‌دهد. اروپای غربی را در نظر بگیریم، از بازار فروش اسلحه باید نفع برد و یا از تداوم صدور نفت از خلیج؟ تنها به ایران و عراق باید تکیه کرد یا کویت و عربستان و امارات متحده عربی را هم باید در نظر گرفت؟ دولت‌های اروپای غربی اکنون دو جانب برش‌هایی از این دست را سبک و سنگین می‌کنند و متناسب با اوضاع کنونی جای عوامل مختلف را بر حسب برجستگی کنونی‌شان، عوض می‌سازند. ژاک شیراک، نخست وزیر فرانسه در هفته گذشته در مصاحبه با لوموند گفت جمهوری اسلامی حوصله فرانسه را سر برده است و جنگ این رژیم با عراق باید خاتمه یابد. اکنون اظهاراتی از این قبیل نباید تعجب برانگیز باشد.

اوضاع برای فقها خوشایند نیست، بویژه که آنها علاوه بر جوانب بین‌المللی با فشار خردکننده جوانب داخلی جنگ نیز مواجه هستند. فقها در محاصره قرار گرفته‌اند. حمله بر آنها را تشدید کنیم.

نفت، با اسکورت یابی اسکورت؟



فرمانده آمریکایی

"ما برای تامین آزادی کشتیرانی آمده ایم"

بسته شدن خلیج کمتر از ماست. آنها بطور رسمی سیاست نوین ما را می پذیرند، اما کسی ما را تشویق نمی کند و یا به دفاع فعال از ما بر نمی خیزد. بغیر از کویت، بقیه تولید کنندگان نفت منطقه نیز چنینند. نظر آنها، آنگونه که روزنامه سعودی الندوه بیان داشته است، این است که "حضور ناوگان ابر قدرت در خلیج ممکن است به فاجعه ای در منطقه منجر شود." در این نظر شاید غلوی صورت گرفته باشد، اما بهرحال مساله ای را بیان می دارد که مانعاید آن را مورد توجه قرار ندهیم و در سیاست نوین خود در خلیج فارس دست به یک ریسک بزرگیم. تازمانی که یک تهدید ملموس دسترسی ما را به نفت خلیج دچار اختلال نساخته است، نیازی هم به ریسک کردن نیست.

یورش وحشیانه...

بقیه از صفحه اول

مورد اجرا گذاشته است. در کنیه مهله، خانه ها و اماکنی که ایرانیان زندگی می کنند، پلیس عملیات کنترل و تفتیش افراد را کارت اقامت باشند یا مدت اعتبار کارت آنها به پایان رسیده باشد، بازداشت می کند. بازداشت شدگان تنها پس از پرداخت مبالغ کلان باج و رشوه، آزاد می شوند. نیروهای ارتجاعی پیوسته خواستار دستگیری پناهندگان ایرانی و تحویل دادن آنها به جمهوری اسلامی می گردند.

می افزاید. نمی شود همه کارها را به رینگان و انهاد. اکنون کلنگه آمریکا بر این اعتقاد است و برخی دیگر از محافل و مراکز تصمیم گیرنده در سیاستگزاری این کشور نیز.

این بحثها در چند هفته گذشته به مطبوعات آمریکا و دیگر کشورهای غربی نیز کشیده شده است. مقاله ای که در زیر می خوانید به قلم یکی از متخصصین امور نفتی آمریکا به نام جان. ایچ. لیشت بلو، رئیس بنیاد تحقیقات صنعت نفت آمریکا است. نویسنده، طرفدار سیاست "نفت بدون اسکورت" است. این مقاله با عنوان "چه کسی می خواهد خلیج را ببندد" در روزنامه واشنگتن پست چاپ شده است و در نشریه "گاردین ویکلی" ۵ ژوئیه نیز درج گردیده است. مقاله را به خاطر بازتاب دادن بحثهای درونی هیات حاکمه آمریکا در مورد خلیج فارس و برخی اطلاعات مفید آن، برای درج در نشریه برگزیده ایم.

پایانه رفت و آمد دارند، جلوی صدور نفت ایران را بگیرد. عراق در این زمینه موفقیت زیادی نیافته است. در چند ماهه گذشته حملات آنقدر قلیل و پراکنده بوده اند، که در امر صدور نفت ایران اختلالی پدید نیامده است.

اما اکنون توجه بر روی جبهه دیگری از جنگ نفت کشها متمرکز است، حملات ایران به نفت کشهای کویت. عراق نفت خود را از طریق خط لوله ویا تانکر صادر می کند و به راه آبی نیازی ندارد. از همینرو ایران نمی تواند در این زمینه برای عراق مشکل بیافریند و لذا به نفت کویت به مثابه جانشین نفت عراق می نگرد، بویژه این که کویت در جنگ طرف عراق را دارد. اما حملات ایران به نفت کشهای حامل نفت کویت نیز آنسان قلیل و پراکنده بوده است که بر روی تولید و صدور نفت این کشور تاثیری نداشته است. برای کویت، خرابکاری هایی که از سوی ایران در تاسیسات نفتی اش انجام می گیرد خیلی جدی تر از حملاتی است که متوجه نفت کش های کویتی می شود.

در همان حالی که نفت، شکم بازار را پر می سازد، پرزیدنت رینگان از این در وارد شده که "ما به هیچ رو نباید عقب بنشینیم و بگذاریم خلیج فارس به روی تجارت بین المللی بسته گردد." صحیح، اما چه کسی می خواهد خلیج را ببندد؟ مطمئنا ایران علی رغم "وحشی گری" مورد اذعان پرزیدنت، چنین قصدی ندارد. بسته شدن موثر خلیج فارس،

سیاست دولت رینگان در خلیج فارس از جمله مبنی بر این دواصل است که ۱ - "حضور تاریخی" آمریکا در منطقه باید محفوظ بماند. ۲ - شهرهای نفت منطقه باید باز بمانند و رفت و آمد نفت کشها در خلیج فارس و دریای عمان دچار اختلال نشود. دولت رینگان اکنون دواصل را با یکدیگر ترکیب می کند و از آنجا به این نتیجه می رسد که نفت کشها را باید با آن "حضور تاریخی" اسکورت کرد. اما همچنان که نفت ماده ای است محترقه و نمی توان در کنار آن آتش روشن کرد، در کنار هر نفت کش نمی توان یک ناو دارای سلاحهای آتشین روانه ساخت. ممکن است وضعیتی فراهم آید که باید از یکی صرف نظر کرد و یا منطق را در گروگن ساخت و در کنار دواصل بالا، اصول دیگری را بر چسته ساخت. اکنون در محافل هیات حاکمه آمریکا چنین بحثهایی جریان دارد. این موضوع که قضیه "ایران گیت" به موضوعی جدی تبدیل شد نیز بر جدیت این بحثها

پرزیدنت رینگان در آخرین سخنرانی خود و نیز در مصاحبه مطبوعاتی ای که در ونیز داشت حفظ منابع نفتی را به عنوان پایه اصلی سیاست جدید خود در خلیج فارس که مبنی بر حضور ناوهای جنگی است، نام برد. او پیش از این در بیانیه مشروحتری به "تاثیر دردناک بحران نفت خاور میانه در چند سال پیش یعنی آن صفهای مایوس کننده دریافت بنزین" اشاره کرده و گفته بود "من مصمم هستم که دیگر هرگز دست اقتصاد ملی مان آسان بسته نگردد."

ما پس از این که ریسک اعزام نیروی دریایی مان به منطقه جنگی خلیج با حمله به ناو آمریکایی استارک مواجه شد، پایستی این پرسش را مطرح سازیم که آیا دسترسی به نفت خاور میانه، آنگونه مورد تهدید واقع شده است که اقدام مستقیم ضرورت یابد؟

اولین واقعیتی که باید در نظر بگیریم، این است که منابع نفتی مورد بهره برداری در خاور میانه آنسان سرشارند که مساله واقعی تولید کنندگان نفت این منطقه این است که برای اجتناب از مورد تهدید قرار گرفتن قیمت مقرر از سوی اوپک، از صدور مقادیر زیاد نفت خودداری ورزند. این مساله در طی هفت سالی که از جنگ ایران و عراق نیز می گذرد، قوت خود را حفظ کرده است. در طی این هفت سال، مهاجم اصلی به نفت کشها، مسلما عراق بوده است که می کوشد با حمله به پایانه نفتی جزیره خارک و نفت کشهایی که به این

صدور نفت ایران را که از طریق تنگه هرمز انجام می پذیرد، به طور کامل متوقف می سازد و این در حالی خواهد بود که در صدور نفت عراق اختلالی که به عمل نخواهد آمد هیچ، این کشور از گران شدن نفت سودم خواهد برد. البته در یک جنگ، هر چیزی امکان پذیر است. نباید این موضوع را از نظر دور داشت که بالا گرفتن حمله به کشتی های مملی به رفت و آمدهای تجاری بین المللی به آبهای منطقه را دچار اختلال سازد. در چنین صورتی ایالات متحده و دیگر کشورهای صنعتی به تغذیه از ذخایر استراتژیک خود در چند ماه اول بحران، خواهند پرداخت که برای چنین روزهایی اظهار شده اند. از این گذشته در خارج از منطقه خلیج نیز منابعی برای تامین نفت وجود دارد. ما همواره برای طراحی استراتژی خود در چنین مواقعی، فرصت داریم.

ممکن است عوامل ژئوپلیتیک دیگری علاوه بر قضیه نفت، در موضوع تحت بررسی دخیل باشند. بهرحال از زاویه نفت نیازی بر آن نیست که سیاست تثبیت شده خود در خلیج را تغییر دهیم. این سیاست نخستین بار از سوی پرزیدنت کارتر اعلام شد و پس از آن همه بر آن صحنه گذاشته اند. بر مبنای این سیاست، خلیج همچنان باید به عنوان یک آبراه تجاری بین المللی، گشوده باقی بماند.

متحدین ما، که بیشتر از ما به نفت خاور میانه وابستگی دارند، آشکارا دغدغه خاطرشان از بابت

روابط تهران و دمشق

ستون "کیهان محرمانه" و با عنوان "سکوت دمشق" با بهانه اعلام خبر "دیدار قریب الوقوع شولتز وزیر خارجه آمریکا از دمشق و احتمال ملاقات اسد باریگان" به توضیح پیرامون "تلاشهای میانجی گرایانه شاه حسین در آشتی دادن سران سوریه و عراق و ملاقات این دو طرف روزهای آینده در امان" پرداخت، و افزود، "همچنین گفته می شود شنبه گذشته عبدالحمید خدام و طارق عزیز در خاک اردن ملاقات کرده اند."

روزنامه کیهان در ادامه مطلب خود پیرامون گسترش مناسبات بغداد و دمشق نوشت، "سوریه مقدمات بازگشایی خط لوله نفتی صادراتی عراق را به مدیریت آغاز نموده، هم اکنون با استفاده از کامیون و تریلیر نفتکش، سرگرم انتقال نفت صادراتی عراق از خاک خود می باشد."

کیهان در پایان نوشته با اشاره به رویدادهای فوق الذکر نتیجه گرفت چنانچه سوریه در قبال اخبار منتشره همچنان به "سکوت طولانی" خود ادامه دهد، نشانگر آن است که این کشور "به تهدید نظر در سیاستهای خود" دست زده است.

اخبار و گزارشهای مربوط به روابط سوریه و آمریکا، سوریه و لبنان و گروههای درگیر در این کشور، سوریه و عراق، طی روزهای گذشته در رسانه های جمهوری اسلامی با برجستگی خاصی نسبت به چندماه قبل، بازتاب یافتند. درنگاهی به گزارشهای مطبوعات رژیم در مورد مسایل مربوط به سوریه، هر چند از زمان لغو سفر موسوی به دمشق بیشتر می گذرد، هر درشتی "تیتیر" اخبار و ابهام تفسیرات پیرامون آنها افزوده می شود.

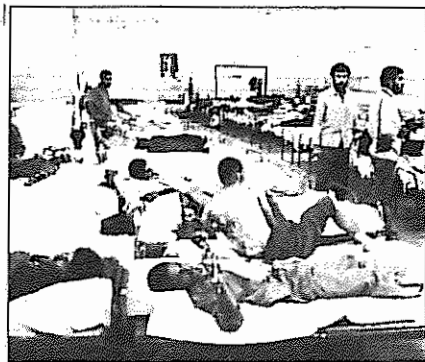
روزنامه کیهان ۹ تیرماه با اعلام سفر "ورنون والترز" نماینده آمریکا در سازمان ملل به سوریه، نوشته است، "ریتان در اجلاس ونیز در مورد بهبود روابط با سوریه با تاخیر مذکوره کرده است."

روز ۱۰ تیر، در همین روزنامه، خبر سفر نمایندگان حزب الله لبنان به سوریه برای گفتگو با مقامات دمشق انتشار یافت. در توضیح این خبر آمده است، "یک هیأت از حزب الله لبنان روز گذشته به منظور ادامه گفتگو با مقامات سوری در مورد کوشش های جاری برای آزاد کردن "چارلز کلاس" خبرنگار آمریکایی به سوریه رفت."

و در روز سیزدهم تیرماه، روزنامه کیهان در زیر

در بهار آن شیمیایی سردشت ۲۰۰ تن آسیب دیدند

این درگیری را ۱۲ تن کشته و ۲۰۰ مجروح ذکر کرد. حال ۶۵۰ تن از مجروحان به شدت وخیم است.



شهر سردشت و روستای "ژاژوچه" از توابع آن روزهای سه شنبه ۹ تیر و چهارشنبه ۱۰ تیر هدف حمله چنگنده بمب افکن های عراقی قرار گرفتند. در مطبوعات رژیم پیرامون تلفات این حملات خبری بازتاب نیافت.

بهاران روزهای شنبه و چهارشنبه، سومین یورش هواپیماهای عراقی به شهر سردشت طی سه هفته گذشته بود. در جریان تهاجمی که دو هفته پیش صورت گرفت، شش بمب شیمیایی پرتاب شده از هواپیما، بازار، بیمارستان و برخی دیگر از نقاط پرجمعیت شهر را در میان تله های آتش و توده ای از ابرهای شیمیایی فروبرد.

کارداد جمهوری اسلامی در سازمان ملل، طی نامه ای که به خاورپرز و کوئینر نوشت، رقم تلفات

دامی تازه برای کشاندن جوانان به مسلخ جنگ

جمهوری اسلامی نیز اعلام کرد؛ باتوجه به مصوبه مجلس اسلامی جهت دستگیری مشمولین فراری و غایب و کارفرمایی که این مشمولین را به کار می گیرند و وظیفه ای که پاسداران در این مأموریت به عهده دارند، از روز اعلام این خبر، سپاه بانیری بیشتری وارد عمل خواهد شد. در ادامه خبر گفته شد، بدین منظور "ستادی جهت جذب مشمولان و جلب مشمولین فراری و غایب در ستاد مرکزی پاسداران اسلامی تشکیل شده است."

در پایان اطلاعیه سپاه تاکید شد، "مشمولان فراری قبل از برخورد قانونی خود را به حوزه های وظیفه معرفی کنند و کلیه افراد ذکور نیز در در سراسر کشور که در سالیان مشمولیت هستند گواهی یامدرکی حاکی از پایان باعدم مشمولیتشان می باشد همراه داشته باشند."

روابط عمومی پاسداران خمینی با صدور اطلاعیه ای اعلام کرد، داوطلبانی که در کنکور سراسری شرکت کرده اند چنانچه تا آخر تیرماه به لشکریان مدافعان خلیج فارس بپیوندند، علاوه بر استفاده از تسهیلات رزمندگان در کنکور، مدت آموزش و حضور تا حداقل ۲ ماه، جزو خدمت وظیفه عمومی شان محسوب خواهد شد.

تاکید بر آخر تیرماه به عنوان پایان مهلت ثبت نام برای اعزام به جبهه عدا و درمهاکت با اقدامات وزارت آموزش عالی به این خاطر صورت گرفته است که شرکت کنندگان کنکور سراسری سال جاری، در اضطراب از نتیجه "گزینش اخلاقی" دانشگاهها، تن به ترفند سپاه بدهند و با پای خود به مسلخ جنگ بروند.

سپاه پاسداران هفته گذشته همزمان با صدور اطلاعیه فوق، روز دوشنبه ۱۵ تیر از طریق رادیو

اکثریت کارگران بیکار مشمول بیمه

بیکاری نیستند

"دستور العمل های اجرایی قانون بیمه بیکاری" ظرف مدت یکماه توسط وزارت کار و امور اجتماعی تهیه و از همان تاریخ به اجرا گذاشته خواهد شد. این مطلب را سلامتی معاون وزیر کار روز یکشنبه ۱۴ تیر در بی اعلام نظر شورای نگهبان در موافقت با قانون بیمه بیکاری، در گفتگو با روزنامه کیهان اعلام نمود.

سلامتی در این مصاحبه در مورد کسانی که مشمول قانون بیمه بیکاری هستند، گفت، تنها آن دسته از کارگرانی که در طول سال ۶۵ نزد سازمان تامین اجتماعی بیمه بوده اند، مشمول این قانون خواهند بود. وی افزود طبق این قانون به بازنشستگان و از کار افتادگان کلی، صاحبان حرف و مشاغل و... حق بیمه بیکاری تعلق نخواهد گرفت. صدها هزار کارگر ساختمانی، کشاورزی، بخش خدمات و حمل و نقل و دستفروشان و... در همین ردیف گنجانده شده اند.

معاون وزیر کار در مورد کارگران بازخرید شده که رژیم تحت فشار اقتصادی آنان را وادار به ترک کار و زندگی خود ساخته گفت، "به موجب این قانون در واقع کسانی بیکار تلقی می شوند که بدون میل و اراده خود بیکار شده باشند و باز خرید شدگان شامل این تعریف نمی شوند."

وی در پیرامون سواالی مبنی بر میزان مقرری ماهیانه در قانون بیمه بیکاری توضیح داد طبق بند "ب" ماده ۷ این قانون مقرری ایام بیکاری به میزان حداقل حقوقی که از طرف شورای عالی کار تعیین شده است پرداخت می گردد.

لازم به توضیح است که حداقل دستمزد روزانه کارگران برای سال ۶۵ از سوی شورای عالی کار ۷۶۰ ریال تعیین شده است.

اعتصاب کارکنان دفتر هواپیمایی درم

اعتصاب کارکنان محلی دفتر هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران درم که یکماه و نیم قبل به عنوان اعتراض به اخراج یکی از همکارانشان به بهانه عدم رعایت "شئون اسلامی" آغاز شد همچنان ادامه دارد و کارکنان سایر شرکت های هوایی مستقر درم نیز از روز جمعه ۵ تیر به عنوان همبستگی با این عده به مدت ۲ ساعت دست از کار کشیدند. اعتصاب کارکنان دفتر هواپیمایی به دعوت و حمایت دو سندی کای کارگری ایتالیایی صورت گرفته است.

قاسم زین علی مدیر هواپیمایی جمهوری اسلامی در ایتالیا طی گفتگو با مطبوعات ضمن تأیید خبر ادامه اعتصاب، آن را "جاری و جنجال تبلیغاتی" و "توطئه چینی سندی کاهای ایتالیا" علیه رژیم خمینی قلمداد کرد.

روزنامه ها و افکار عمومی ایتالیا به اشکال متفاوت با اعتصاب کارکنان ابراز همبستگی کرده اند. به نوشته روزنامه کیهان ۶ تیر، "روزنامه بریتیرا ال ساچورو در شماره پنجشنبه (۴ تیر) خود ضمن چاپ تصویری از درهای بسته دفتر (هما) به نقل از یکی از کارکنان اعتصابی نوشته است اعتصاب به دلیل امتناع کارکنان زن از به تن کردن پک اونیفیرم زشت و یک روسری سنگین و گرم بوجود آمده است."

ولایتی خواستار اخراج پناهندگان سیاسی ایرانی از آلمان فدرال شد

طی مصاحبه مطبوعاتی روزنامه آلمانی "توبه اوسنا" بروکرتسایتونک، درخواستی را نیز با دولت "بن" مبنی بر تشدید فشار و اخراج اپوزیسیون انقلابی رژیم به عنوان شرط حفظ روابط جاری تهران و بن طرح کرد. ولایتی گفت، دولت آلمان در صورت تمایل به داشتن رابطه خوب با ایران باید پناهندگان را از خاک خود اخراج کند و به آنان پناهندگی سیاسی ندهد.

دولت بن هم اکنون با حجمی بیش از ۲ میلیارد دلار مبادلات تجاری در صدر کشورهای صادرکننده کالا و تکنولوژی به ایران قرار دارد. روز پنجشنبه ولایتی در بازگشت از سفر سه روزه به اتریش وارد "رم" شد. مقامات ایتالیایی به گرمی از وزیر امور خارجه خیمینی استقبال کردند.

علی اکبر ولایتی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی که در راس هیاتی جهت مذاکره با مقامات اتریش و ایتالیا به اروپا رفته بود، روز جمعه ۱۲ تیر به تهران بازگشت.

در اتریش، ولایتی با کورت والدهایم رئیس جمهور و رانیتزکی نخست وزیر و لئوبولد گراتس رئیس مجلس این کشور دیدار و مذاکره کرد. به نوشته مطبوعات رژیم، گسترش مبادلات دو کشور و جنگ ایران و عراق در این دیدار مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

همزمان با ورود ولایتی به وین، باردیکر موضوع معاملات تسلیحاتی ۸۰۰ میلیون دلاری رژیم اسلامی با شرکت "فوست" اتریش در مطبوعات و مجلس این کشور طرح شد. وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی در اتریش

رد لایحه ادغام وزارت کشاورزی در جهاد سازندگی

از زمینه‌های مناقشه جناحهای حکومتی بود و هریک از طرفین، برای به کرسی نشاندن نظر خود دیگری را به بی‌کفایتی متهم می‌کرد. روز ۲۸ خرداد وزیر جهاد سازندگی در مصاحبه با رسالت صریحا اعلام داشت، "وزیر کشاورزی و بهرادران می‌گویند که باید جهاد منحل شود و بپایه این طرف و مای گوئیم بپایه این طرف، این مسئله‌ای است که باید مجلس در باره اش تصمیم بگیرد."

جناح رسالت در مجلس مخالف لایحه ادغام بود و در بازتاب نظر این جناح، احمد توکلی در روزنامه رسالت طی سرمقاله‌ای با لایحه ابراز مخالفت کرد.

لایحه انتقال وظایف و اختیارات وزیر و وزارت کشاورزی به وزیر و وزارت جهاد سازندگی که در مجلس مطرح بود، به تصویب نرسید. این خبر را خبرگزاری جمهوری اسلامی روز دوشنبه ۱۵ تیر اطلاع داد. طبق گزارش رادیوی رژیم، به هنگام بررسی این لایحه زالی وزیر کشاورزی و ژنگنه وزیر جهاد سازندگی نیز حضور داشتند و هریک بر له وزارت خانه خود سخنانی ایراد کردند.

لایحه ادغام وزارت کشاورزی در جهاد، اسفند ماه گذشته در هیات دولت تصویب شد و برای تصویب نهایی به مجلس اسلامی ارسال گردید. از آن زمان تاکنون موضوع ادغام وزارت کشاورزی در جهاد یکی

آغاز کار دادسرای ویژه روحانیت

رسیدگی قرار خواهد گرفت" و تاکید نمود با روحانیونی که صلاحیت آنان توسط "حوزه علمیه" و "مراجع ذیصلاح" تایید نشود، شدیداً برخورد خواهد شد.

دادستان ویژه روحانیت، در پایان سخنان خود از "امت شهیدپرور" خواست در صورت داشتن هرگونه اطلاعاتی با دفتر این دادسرا واقع در دادستانی اوین مکاتبه کنند.

"دادگاه ویژه روحانیت" روز ۲۵ خرداد سال جاری به دستور خمینی تشکیل گردید و فلاحیان و رازی‌نی از طرف وی به عنوان دادستان و حاکم شرع این دادگاه منصوب شدند. محکمه سابق آخوندها زیر نظر حوزه علمیه قم سرپرستی می‌شد.

حجت الاسلام فلاحیان قائم مقام ساواک جمهوری اسلامی و دادستان دادگاه ویژه روحانیت، روز دوشنبه ۱۵ تیرماه طی گفتگویی با خبرگزاری جمهوری اسلامی ضمن اعلام خبر تشکیل دادسرای ویژه روحانیت در شهرها، قم، اصفهان، مشهد، شیراز و... گفت، در سایر شهرها نیز "در صورت نیاز" این دادسرا تشکیل خواهد شد.

فلاحیان در ادامه مصاحبه خود، افزود، "کار رسمی دادسرا از روز چهارشنبه ۱۷ تیر آغاز می‌شود." وی بدون اشاره به علت تعجیل تشکیل محکمه آخوندها، خاطر نشان ساخت، "در این دادسرا اختصاصاً جرایم ضد انقلابی، فساد، فحشا و اتهاماتی که با نشان روحانیت منافات داشته باشد مورد

پادارابی حزب جمهوری اسلامی چه می‌شود؟

است، "اکنون که پیرو درخواست اینجانبان و موافقت حضرت امام، حزب جمهوری اسلامی تعطیل و فعالیت آن متوقف گردیده است... از سوی اینجانبان هیاتی برای رسیدگی به امور مالی حزب و تعیین تکلیف اموال و انبیه حزب برگزیده شده، کلیه محاسبات و امور حقوقی و دادوستدها در مورد ادبیا مزبور فقط بواسطه این هیات انجام خواهد شد و هیچ سازمان و یا فردی از داخل اخراج حزب، مجاز به تصرف در آن نمی‌باشد."

به دنبال اعلام انحلال و توقف کامل فعالیت‌های حزب جمهوری اسلامی، خامنه‌ای و هاشمی رفسنجانی با انتشار اعلامیه‌ای، تکلیف اموال حزب را مشخص کردند. در اعلامیه منتشره که متن کامل آن در روزنامه کیهان ۱۱ تیرماه به چاپ رسیده، "به تمام اعضا، کادرها و مسئولان حزبی" هشدار داده شده از "تصرف اموال حزب" خودداری کنند و آن را در اختیار فرستادگان ویژه رفسنجانی و خامنه‌ای قرار دهند.

در این باره در بخشهایی از این اعلامیه آمده

اعضای هیات رئیسه شورای مرکزی اصناف معین شدند

شورای مرکزی اصناف تهران با صدور اطلاعیه‌ای اعلام کرد در اولین جلسه شورا که هفته اول تیرماه تشکیل شد، اعضای هیات رئیسه "شورای مرکزی" معین شدند. اسامی اعضای هیات رئیسه عبارتند از: محسن لسانی مطلق، حسن پور بختیاری، محسن آقایی قلعه‌کی، محمد علی قنبری و سید محمد باقر هاشمی گلپایگانی. این افراد از پانزدهم تیرماه سال جاری رسماً مسئولیت اداره امور اصناف را بر مبنای نظام صنفی عهده‌دار خواهند بود. بر اساس اطلاعیه شورا، "کلیه واحدها و اتحادیه‌های صنفی، وزارتخانه‌ها، ارگانها، نهادهای سازمانها موظف شده‌اند مسایل خود را راساً پناهم شورای مرکزی اصناف تهران ارسال دارند." شورای مرکزی اصناف اصلی‌ترین تشکل نماینده داران بازار است.

در پی انتشار اطلاعیه "شورای مرکزی اصناف"، خبرگزاری جمهوری اسلامی روز ۱۲ تیر خرداد بنا به تصمیم دولت در "سراسر کشور کمیسیون نظارت بر شورای مرکزی اصناف تشکیل می‌شود." در گزارش این خبرگزاری گفته شد، "تصمیم در مورد تشکیل کمیسیون نظارت بر شورای مرکزی اصناف که ریاست آن را استانداران بر عهده دارند در سمنار اخیر استانداران با حضور نخست وزیر اتخاذ شده است."

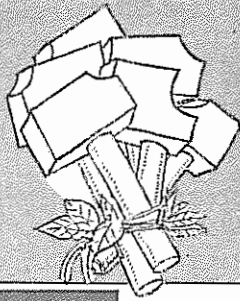
خبر تشکیل شورای مرکزی اصناف "برای اولین بار روز ۵ خرداد توسط سعید امانی یکی از سخنگویان عمده سران بازار در مجلس طرح شد. وی به وکلای مجلس اسلامی گفت دستور ایجاد تشکیلات اصناف توسط خمینی صادر شده است.

خلع سلاح پاسداران توسط مامورین شهرداری

به گزارش روزنامه کیهان ۲۱ خرداد، طی دو هفته، دو بار بین ماموران مسلح سد معبر شهرداری و پاسداران "کمیته هماهنگی دفاتر جنگ سازمانها" زدو خورد مسلحانه روی داد. روزنامه کیهان در باره علت و چگونگی این درگیری می‌نویسد، حدود ۱۵ روز پیش شهردار و گروهی از مامورین شهرداری منطقه ۹ به محل کمیته هماهنگی دفاتر جنگ سازمانها و نهادهای استان تهران واقع در یکمتر ۱۵ جاده کرچ که اقدام به ساختمان سازی و بنائی در محل ستاد صحرایی خود کرده بود، مراجعه کرده و به علت فقدان پروانه ساخت خواستار توقف عملیات ساختمانی شدند. لکن نگهبانان و مامورین کمیته مذکور توجهی نکرده و درگیری بین آنان رخ داد.

به دنبال این واقعه چهارشنبه گذشته مجدداً از سوی شهرداری به کمیته هماهنگی اخطار شد و در پی عدم توقف عملیات، ساعت ۴/۵ صبح جمعه مامورین شهرداری منطقه ۹ بار دیگر به محل مراجعه کرده و پس از خلع سلاح نگهبانان ساختمان اقدام به تخریب دیوارهای ساخته شده کردند.

روزنامه کیهان در ادامه این خبر به نقل از کسانی که در محل حضور داشتند نوشته است، "مامورین شهرداری پس از تخریب، دو نگهبان ساختمان و اسلحه‌ها و بی‌سیم آنان را به همراه ۷۵ کامیون آجر و کلیه وسایل موجود در محل با خود برده‌اند."



خبرهایی از جنبش کارگری

کارخانه سینتا

طی اردیبهشت ماه سال جاری، مدیریت کارخانه سینتا به بهانه نبود مواد اولیه و عدم تولید، فرمهایی را بمنظور بازخرید کردن کارگران در میان آنان توزیع کرد. کلیه کارگران کارخانه در پی این تصمیم مدیریت و برای مقابله با آن مجمع عمومی تشکیل دادند که در جریان آن بطور متحد و یکپارچه به اعتراض بر علیه سیاست بازخرید برخاستند. اعتراضات کارگران هرچند که در ظاهر امر متوجه مدیریت بود. اما آنها مدیریت را یکی از کماشنگان رژیم می‌دانستند که مچری سیاستهای ضد کارگری رژیم است.

مجرمند.

کارخانه الیاف

در کارخانه الیاف، کارگران بعد از مدت‌ها مبارزه برای اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل سرانجام در فروردین ماه موفق شدند وزارت کار و مدیریت واحد را به اجرای طرح مجبور سازند. در پی اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل در این کارخانه، شورای کارخانه که عمدتاً از عوامل مدیریت پدید آمد، بعد از چندین سال پایان دوره قانونی خود را اعلام کرد. بدنبال آن وزارت کار با تهدیدات مدیریت در نظر داشت که طرح شورای اسلامی کار را در کارخانه بصورت نمایی به اجرا در آورد که با مخالفت کارگران روبرو شد و طرح بمدت نامعلومی به تعویق افتاد.

شهر صنعتی البرز

اداره کار قزوین بمنظور تشکیل پرونده اطلاعاتی برای کارگران، در نشر دارد برای تمامی کارگران شناسنامه کار تهیه کند. مامورین این اداره بهمین منظور اخیراً مداوماً به کارخانجات شهر صنعتی مراجعه می‌کنند. در این رابطه گفته می‌شود که اگر کارگری برگ معرفی اداره کار را نداشته باشد از کارخانه اخراج خواهد شد و شناسنامه کار بوی تعلق نخواهد گرفت. این مسئله باعث نگرانی شدید کارگران شده است. بسیاری از کارگران شهر صنعتی البرز، که غیر بومی هستند و بدون برگ معرفی اداره کار استخدام شده‌اند، اکنون با خطر بیکار شدن مواجه هستند. تا بحال بدنبال این طرح اداره کار قزوین، ۲۵ نفر از کارگران کارخانه قوه پارس اخراج شده‌اند و در کارخانه تولی فارما به ۶ تن از کارگران مرد و به ۱۲ تن از کارگران زن گفته شده است که اخراج خواهند شد.

چندی پیش انتخابات جدید اتحادیه مسکن کارگری شهر صنعتی البرز برگزار شد. این اتحادیه مردو مفتی پیکار، در محل اداره کار تشکیل جلسه می‌دهد که اکثر تعاونی‌های مسکن کارخانجات بزرگ در این جلسات شرکت می‌کنند. جلسات اتحادیه، بخاطر عدم توانایی بانکها در پرداخت وام مسکن به کارگران عضو اتحادیه، هر بار عملاً بدون هیچ نتیجه‌ای پایان می‌رسد. همچنین تعاونیهایی مسکن عضو این اتحادیه، تا بحال چندین بار برای درخواست میل‌گرد به نمایندگی فرماندار در این اتحادیه مراجعه کرده‌اند. نماینده فرماندار به کارگران گفته است ما میل‌گردها را برای سگ‌سازی احتیاج داریم. کارگران پاسخ داده‌اند، در صورتی که انواع میل‌گرد در بازار آزاد به راحتی قابل تهیه می‌باشد، چگونه است که تعاونیه‌ها از داشتن این جنس

کارخانه پارس فاستون اصلهان

در سال ۶۵ انجمن اسلامی این کارخانه باتوسل به زور و تهدید و با طرح اینکه امسال سال پیروزی جنگ است، اعلام نمود که از حقوق کلیه کارکنان کارخانه ماهانه مبلغ ۱۵۰ تومان بمنظور کمک به جیبه‌ها کسر خواهد شد. این مبلغ بیشتر از دستمزد یک روز کارگران بود. این اقدام انجمن اسلامی هرچند که با مخالفت شدید کارگران مواجه شد، اما انجمن اسلامی با تهدید به اخراج موفق شد تا پایان سال ۶۵ این مبلغ را از حقوق کارگران کسر کند. در این میان تنها عده‌ای از زنان کارگر که از نظر مالی شدیداً تحت فشار بودند، با اعتراضات مکرر در مقابل این باجگیری رژیم ایستادگی کرده و از پرداخت این مبلغ خودداری نمودند. در دوماه اول سال جاری نیز، انجمن اسلامی برخلاف وعده خود باز به کسر مبلغ فوق از حقوق کارگران اقدام نمود. ادامه این زورگویی بعد از دوماه به اعتراض شدید کلیه کارگران کارخانه منجر گردید و انجمن اسلامی در مقابل کسرش اعتراضات مجبور به عقب نشینی شد و قرار شد، کسر این مبلغ از حقوق کارگران متوقف شود.

در سال پیش، همچنین انجمن اسلامی این کارخانه اعلام کرده بود که می‌باید عده‌ای از پرسنل کارخانه "داوطلبانه" به جیبه اعزام بشوند. زمانی که هیچ یک از کارکنان و کارگران داوطلبانه حاضر به شرکت در جنگ ویرانگر نشدند، مزدوران انجمن، با توسل به زور و تهدید به اخراج، هر ۴۵ روز یکبار عده‌ای را وادار به اعزام به جیبه می‌نمودند. تاکنون ۲ نفر از کارگران این کارخانه در جیبه، کشته شده‌اند که موجب اعتراض و نفرت شدید کارگران از مزدوران انجمن و رژیم جنگ افروز گردیده است. عده‌ای از کارگران نیز به خاطر خودداری از شرکت در جنگ مجبور شده‌اند استعفا بدهند.

کارخانه چیلی البرز

کارگران این کارخانه بعد از مدت‌ها مبارزه بخاطر دریافت حق بهره‌وری، موفق شدند، مسئولین را وادار به پرداخت آن نمایند.

کارخانه کنتورسازی

-اعتراضات کارگران کنتورسازی به عدم پرداخت حق بهره‌وری تولید، هنوز به نتیجه‌ای نیانجامیده است. آنها بارها با تجمع خود در مقابل دفتر مدیریت و با مراجعه به شورا اعتراض خود را بیان کرده‌اند. در این کارخانه ۶ ماه حق بهره‌وری به کارگران پرداخت نشده است.

س تعاونی مصرف کارخانه کنتورسازی، در پی

عدم دسترسی به کالاهای مورد نیاز کارگران، مدیریت کارخانه را مجبور کرد که مبلغ ۱۵۰ هزار تومان بصورت وام به تعاونی واگذار کند، تا تعاونی کالاهای مورد نیاز را بطور آزاد تهیه کرده و در اختیار کارگران قرار دهد.

کارخانه آلومینیت

کارگران این کارخانه در پی اعتراضات مکرر خود به کمی دستمزد و حق بهره‌وری و عدم تحویل لباس کار از طرف کارخانه، چندی پیش طو ماری راهپایه و به اداره کارفرستادند. مسئولین اداره کار شهر صنعتی البرز، بمنظور جلوگیری از گسترش اعتراضات کارگران قول دادند که به خواسته‌های آنان رسیدگی شود.

راه آهن تهران

رژیم بمنظور تامین بخشی از هزینه‌های جنگ ویرانگر، مدت‌هاست که اقدام به واگذاری کارخانجات و موسسات دولتی به بخش خصوصی می‌کند. در راستای این سیاست، رژیم در اندیشه آنست که بتواند راه آهن کشور را به سرمایه‌داران واگذار نماید. اکنون این خبر که هرازچندی در تشریفات دولتی نیز منعکس می‌شود، یکی از موضوعات مورد بحث در بین کارگران و کارکنان راه آهن می‌باشد. عوامل رژیم در راه آهن با ترندهای مختلف سعی می‌کنند کارگران را متقاعد نمایند که واگذاری راه آهن به بخش خصوصی به نفع کارگران است و می‌تواند به تحصیل مزایای بیشتر منجر گردد. اما اکثر کارگران راه آهن ضمن مخالفت با این سیاست ویرانگر رژیم، معتقدند که واگذاری راه آهن به سرمایه‌داران به فலاکت هرچه بیشتر کارگران منتهی می‌شود. کارگران راه آهن می‌گویند یکی از اولین اقدامات بخش خصوصی برای بدست آوردن سود بیشتر، اخراج عده بسیاری از کارگران خواهد بود.

در کنار تبلیغات عوامل رژیم مبنی بر زمینه‌سازی برای واگذاری راه آهن به سرمایه‌داران، مسئولین راه آهن طی ماههای اخیر با توسل به انواع فشارها سعی می‌کنند، کارکنان و کارگران را به مرگ تهدید بکنند تا به تب راضی شوند. در همین رابطه آنها کسری مبلغ ماهانه بیمه درمانی کارکنان و کارگران را به دوبرابر افزایش داده و چندی پیش نیز پنج نفر کارگر مکاشین را به بهانه کم کاری و دیرآمدن بکار اخراج نموده‌اند.

کارخانه پلنزاخوار

بنا به طرح سازمان صنایع دفاع ملی، رژیم در نظر دارد ۴۰۰ تن از پرسنل شاغل مازاد در واحدهایی

مقررات وزارت کار، کارفرمایان حقوق کارگران را به شرکت بردکار واکذار می کنند. این شرکت بهر یک از کارگران ماهانه مبلغ ۲۱۰۰ تومان حقوق پرداخت می نماید و از طریق استثمار مضاعف آنان، ماهیانه ۱۰۰ تا ۱۵۰۰ تومان نصیب خود می سازد. واکذار کار به این شرکت، از آنجا که برای ادارات و شرکتهای کارفرما ارزان تمام می شود، باعث شده است که عده ای از کارگران قدیمی آنها اخراج شوند.

معادن سنگ گچ و کارخانه های گچ پزی کازرون
در شهر کازرون (واقع در استان فارس) حدود ۲۲ واحد کارگاه گچ پزی و بیش از این تعداد معدن سنگ گچ وجود دارد که در هر کارگاه حدود ۱۰ الی ۱۲ نفر کارگر و در هر معدن ۵ الی ۱۰ نفر کارگر مشغول بکار هستند. از آنجا که کارگران معدن و کارگاهها بصورت دسته جمعی کار می کنند، عمدتاً خواسته هایشان را بصورت جمعی بیان می کنند. بعد از انقلاب یکی از مهمترین مطالبات کارگران تامین بیمه های اجتماعی بود. این خواست کارگران توسط شورای متحدی که بوجود آورده بودند، پیگیری می شد. در اوایل سال ۶۰ کارفرمایان توانستند، توسط امام جمعه شهر و عناصر مرتجع سیاه، شورای ازادرون و بیرون متلاشی کرده و عملاً آثرامنحل سازند. تاکنون به علت حمایت های همه جانبه امام جمعه و مسئولین ضد کارگر شهر از کارفرمایان، کارگران موفق نشده اند بیمه شوند. تنها تعداد انگشت شمراری از آنان که نشان به ۶۰ سال رسیده است، موفق شده اند، خود را بیمه کنند. حقوق کارگران این معادن و کارگاهها، کفاف نان بخور و نمیر را نمی دهد. مثلاً کارگری بازن ۶ نفر فرزند ماهیانه فقط ۲۰۰ تومان حقوق می گیرد.

بخشی از نامه یک کارگر

"... سال گذشته تو، تمام کارخانه ها صحبت کارگرها درباره افزایش دستمزد بود. فشار ناشی از گرانی دمار از روزگار کارگران و زحمتکاران در می آورد. پارسال با هر کارگری صحبت می کردی فوری مسئله افزایش دستمزد را پیش می کشید. افزایش دستمزد مخصوصاً برای کارگران بخش خصوصی که معمولاً از مزایای بسیار پائینی برخوردارند، واقعاً بسیار جدی و حیاتی است. اکثر کارگران در انتظار تصمیم شورا برای کار بودند تا ببینند، بقدری دستمزدشان اضافه می شود. اما وقتی که نظر شورا برای کار اعلام شد، کارگران واقعاً بهت شان زده بود. بالاخره کوه موش زائید. پناه به نظر شورا ۴۰ ریال به حقوق کارگران اضافه شد. مسئله ۲۰۰ تومان بن کارگری که طرح شد، یک عده اول متوهم بودند ولی بعدها با افشاکاری کارگران آگاه توهم عده زیادی از کارگران رفع شد. ... امسال نیز مثل سال گذشته افزایش دستمزد ما متناسب با رشد تورم جزو مطالبات کارگران است. البته اجرای طرح طبقه بندی مشاغل با مشارکت کارگران نیز به یکی از محورهای اصلی مطالبات کارگران تبدیل شده است.

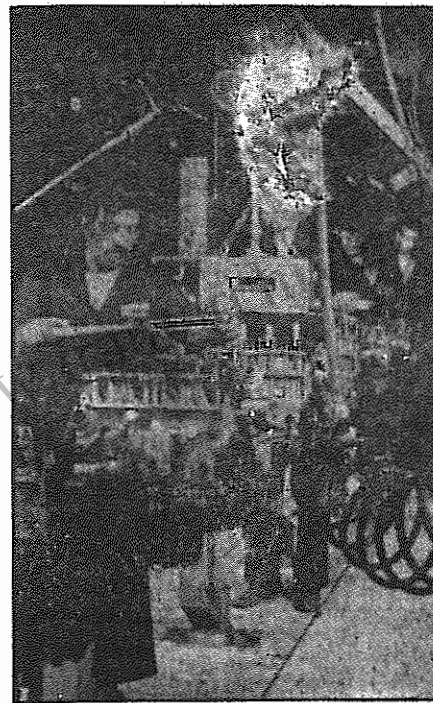
... بعد از عید روحیه اعتراضی کارگران مخصوصاً در رابطه با افزایش دستمزد و اجرای طرح طبقه بندی مشاغل بطور قابل توجهی افزایش یافته است. بطوریکه اکنون به مسئله روز اکثر کارخانه ها تبدیل شده است."

... اخیراً ۹۱ تن از کارگران زن در این کارخانه توسط مدیریت از کار اخراج شده اند. کارگران کارخانه در اعتراض به این اقدام مدیریت، به شورای کارخانه اعتراض کرده اند.

کارخانه ایران دوچرخ

در این کارخانه، بمناسبت روز کارگر عده ای از کارگران را به جبهه اعزام داشتند. در این کارخانه آموزش نظامی برای تمام کارگران اجباری است.

... تولید این کارخانه طی سال گذشته، نسبت به سالهای قبل افت بسیاری داشت. به این خاطر در سال گذشته به کارگران حق بهره وری تولید پرداخت نکردید. مدیریت این کارخانه به کارگران گفته است افزایش حقوق که دولت وعده آورده است، شامل کارگران ایران دوچرخ نمی شود. طرح طبقه بندی مشاغل نیز به اجرا در نخواهد آمد.



کارخانه چینی ارکید

در این کارخانه، کارگران موفق شدند حق بهره وری تولید را دریافت کنند. حق بهره وری تولید نسبت به سال پیشتر مبلغ کمتری بود که به ازای آن بمناسبت روز کارگر به تمام کارگران ۸۴ پارچه ظروف چینی تعلق گرفت.

... در این کارخانه در نتیجه سهل انگاری مدیریت در یکی از ساختمانهای آن کودکی به علت برق رفتگی جان خود را از دست داد.

شرکت بردکار (خاک سفید)

چندی است که در محله زحمتکش نشین خاک سفید شرکتی شروع بکار کرده است که کارش اجیر کردن کارگران و بویژه زنان زحمتکش خاک سفید است. این شرکت برای نطفات ادارات، بیمارستانها و شرکت های خصوصی عده ای از اهالی زحمتکش این محله را اجیر می کند و خود مستقیماً با ادارات و شرکتهای کارفرما قرار داد می بندد. بر اساس

را که تولید ندارند، به کار اسلحه سازی در سازمان صنایع اختصاص دهد. بر پایه این طرح، در کارخانه بنزخاور پس از حدود ۸ ماه عدم تولید و نبود مواد اولیه، قائم مقام وزارت صنایع طی سخنرانی در این کارخانه، خواستار اعزام کارگران به سازمان صنایع دفاع ملی شد. وی در این سخنرانی تلویحاً کارگران را به باز خرید و اخراج تهدید کرد و گفت کارگران باید خودشان داوطلبانه جهت تولید اسلحه برای جبهه ها پیش قدم بشوند.

کارگران نه تنها داوطلب اعزام به سازمان صنایع نیستند، که به انجا مختلف در مقابل اعزام اجباری و تهدیدات مسئولین کارخانه مقاومت می کنند. مدیریت برای درهم شکستن مقاومت کارگران سعی می کند آنها را در گروه های ۲۰ نفری، با صدور حکم و به اجبار به سازمان صنایع بفرستد. بعد از صدور حکم های اجباری از طرف مدیریت، عده ای از کارگران به اخراج و استعفا ی انفرادی تن داده اند ولی بقیه کارگران سعی می کنند به اشکال گوناگون اعتراضات خود را گسترش داده و در مقابل اعزام اجباری به سازمان صنایع ایستادگی کنند. اکنون شکل اعتراض کارگران در حد مراجعه به وزارت کار و خانه کارگر می باشد. کارگران در مراجعات خود به مسئولین، علت تعطیلی واحدها و اخراج کارگران را عمدتاً نتیجه نبود مواد اولیه می دانند که پیامد سیاست جنگ افروزان و افلاس رژیم در تامین ارز برای مواد اولیه کارخانجات می باشد.

کارخانه کمبر سوزازی

... در این کارخانه بخاطر عدم اعتماد کارگران به شوراهای دست نشانده اداره کار و مدیریت، مدت ها است که شورای کارگری وجود ندارد. اداره کار تا بحال، ۳ پارسی کرده است که برای تشکیل شورای این کارخانه، انتخابات ترتیب بدهد و هر بار به علت عدم استقبال کارگران، انتخابات برگزار نشده است. کارگران در جلسات مجمع عمومی یا ورقه سفید می دهند و با در روی اوراق عکس حیوانات کشیده و تحویل مسئول شورای اداره کار می دهند!

... در این کارخانه در نتیجه عدم همکاری مدیر کارخانه با تعاونی مسکن کارگری، چند دستگاه خانه که قبلاً در حال ساختمان سازی بوده است، اکنون نیمه کاره مانده است.

... در این کارخانه برای تمامی کارگران آموزش اجباری نظامی مقرر کرده اند که در صورت عدم شرکت کارگران، از حضور آنها در سرکار جلوگیری می شود.

کارخانه تولی فارما

... چندی پیش در این کارخانه با حضور نماینده اداره کار و امور اجتماعی یکی از زنان کارگر با انتخاب کارگران به عنوان نماینده برگزیده شد. انتخاب این کارگر که مورد احترام و اعتماد تمامی کارگران زن و مرد کارخانه بود، با مخالفت انجمن اسلامی کارخانه مواجه گشت. انجمن اسلامی طی نامه ای به اداره کار به انتخاب این زن کارگر اعتراض کرده و خود را یکی از کارگران زن را که عضو کمیته سپاه و خبرچین انجمن می باشد، بعنوان نماینده به اداره کار معرفی کرده است.

در روستاهای مازندران

● روستاهای فیروزچاه و سنگچال در کوهستانهای جنگلی آمل واقع است. کار اصلی روستائیان آنجا دامداری و کشت بعضی از محصولات فصلی مانند گندم، جو و... می باشد. مدتی است که باز پای سرمایه داران و غارتگران چوب به این روستاها باز شده است. آنها همه روزه با حمایت مسئولین محلی رژیم، با سایل مکانیکی واره برقی به قطع درختان جنگلهای اطراف این روستاها مشغولند. رژیم جنگ افروز و ویرانگر، به ازای مهالغ ناچیزی، جنگلهای ملی شده را در اختیار سرمایه داران بخش خصوص قرار می دهد و بنا به اطلاع روستائیان، در منطقه سنگچال، بخش وسیعی از منطقه را در ازای ۵۰۰ یا ۶۰۰ هزار تومان به سرمایه داران فروخته است. روستائیان این منطقه، در اعتراض به این اقدام غارتگران، و نیز از آنجا که انهدام جنگلها، انهدام مراتع راهم بدنهال دارد، از طریق مراجعه به مقامات دولتی با جمع آوری امضا و ارسال آن به محیط زیست و جنگلداری تلاش کردند چلو انهدام جنگلها را بگیرند. تا کنون شکایات روستائیان به نتیجه ای نایبامیده است.

● فئودالهای منطقه فیروزکوه، که حدود ۹۰ هکتار زمین غصب شده از زمان شاه در اثر انقلاب از چنگشان بیرون آمده بود، دوباره با دردست داشتن سند مالکیت به منطقه برگشته اند. این زمینها تا امروز در اختیار بنیاد مستضعفان است. فئودالها از طریق

دادگاه از بنیاد خواسته اند که هر چه زودتر زمینها را در اختیار آنها بگذارد.

● در اواخر اسفندماه سال گذشته، یکی از فئودالهای غاصب منطقه فرج آباد ساری، بنام ماشی، برای باز پس گرفتن زمینهای خود از طریق وکیل که از تهران آورده بود، به دادگستری مازندران مراجعه کرده و طرح دعوا می نماید. روستائیان منطقه بدنهال اطلاع از این اقدام فئودال غاصب، دسته جمعی در محل دادگستری تحصن می کنند. دادگستری عده ای پلیس جهت متفرق کردن روستائیان به محل دادگستری فرامی خواند، اما مقاومت روستائیان باعث می شود که پلیس کاری از پیش نبرد. روستائیان همانجا اعلام می دارند که تا اخراج فئودال از دادگستری به تحصن خود ادامه داده و در صورت حکم دادگاه نیز زمینهایشان را به فئودال غاصب پس نخواهند داد. پس از مدتی که وکیل فئودال می خواست از درعقب دادگستری خارج شود، با شناسایی روستائیان مورد حمله قرار گرفت و روستائیان با گرفتن پیوندها از دست وی، آنها را پاره کرده و بدور انداختند. در پی این حرکت روستائیان، دادگستری تعداد بیشتری پلیس به محوطه آورد و آنها با بالوم و چوب دستی به روستائیان بیورش آورده و آنها را متفرق ساختند.

● در اواخر فروردین ماه مزدوران رژیم بمنظور سرپاز تیری به یکی از روستاهای اطراف پابل بنام "سیاکلا" بورش آوردند. جوانان روستایی با فرار از روستا، مزدوران رژیم را ناکام گذاشتند. پاسداران برای انتقامجویی از جوانان روستا، پدر یکی از

مشمولان را گروگان گرفتند تا سرپازان فراری خود را تسلیم کنند. مقاومت این پدر در مقابل پاسداران خشم حیوانی مزدوران را برانگیخت و یکی از پاسداران بروی او شلیک کرد. روستایی مزبور که به شدت مجروح شده بود، به بیمارستانی در بابل منتقل می شود. اهالی روستا به پاسداران بیورش برده و آنان را فراری می دهند. مجروح در بیمارستان درگذشت. اهالی سیاکلا چنانچه او را بر سر دست گرفته و در خیابانهای شهر پابل به راهپیمایی پرداختند. روستائیان "سیاکلا" در مراسم با شکوه تشییع چنانچه روستایی مزبور، خشم و ازخوار شدید خود را از رژیم جنگ افروز و مزدوران پلیس ابراز داشتند.

● سال گذشته به حکم دادگاه جمهوری اسلامی زمینها و باغات روستای ریحان آباد گلگاه در بهشهر که بعد از انقلاب به تسلک روستائیان درآمده بود، به فئودالهای این منطقه واگذار شد. دادگاه حامی فئودالها، نه تنها تمامی زمینها را به فئودال بازگشت داده بود، بلکه سه نفر از روستائیان زحمتکش را به درخواست فئودال به چند ماه زندان محکوم کرده بود. چندی پیش، بعد از اجرای حکم دادگاه، اهالی روستا اقدام به گروگانگیری فرزند فئودال ریحان آباد نمودند. اهالی روستا اعلام نمودند که تنها با آزاد شدن ۳ کشاورز زحمتکش حاضرند، فرزند فئودال غاصب را آزاد کنند. خبر درگیری روستائیان ریحان آباد با فئودالها و جریان گروگانگیری فرزند فئودال بخاطر انعکاس وسیع آن در منطقه در بعضی از روزنامه های جمهوری اسلامی نیز منعکس شده است.

تحصن کارکنان کشت و صنعت کارون

از روز شنبه ۶ تیرماه هزارتن از کارگران و کارکنان شرکت کشت و صنعت کارون واقع در بین دزفول و شوشتر برای مقابله با برنامه های ضد کارگری رژیم دست به تحصن زدند. تحصن با اعتراض کارکنان به نحوه تقسیم سود اضافی شرکت آغاز شد. مدیریت به عده ای از کارکنان تنها معادل ۱۵ روز و به کارکنان حزب الهی و طرفدار رژیم معادل ۶۰ روز حقوق پاداش داده بود. بدنهال آغاز تحصن، دیگر مطالبات کارکنان نیز طرح گردید که عبارت بودند از:

— برکناری مدیریت

— تشکیل شوراهای کارگری

— حق ایاب وذهاب

— برکناری و مجازات مدیرعامل فروشگاه شرکت

— پرداخت حق اولاد

— استخدام رسمی کارگران

تحصن تا ۱۱ تیرماه ادامه یافت و از سرانجام آن هنوز اطلاعی در دست نیست. علاوه بر این کارگران شرکت ایران گاز نیز در حال اعتراض پرمی پرند. چند هزار کارگر این شرکت در اعتراض به فشارهای وارده از سوی مدیریت ورژیم، علیرغم حضور منظم در محل شرکت، از کار کردن خودداری می کنند.

برگرفته از اطلاعات گروه منشعب از سازمان در سال ۶۰ (پیر و بهانی ۱۶ آذر)

اعتصاب در شرکت سینتا

* در روز ۱۹ خرداد کارگران شرکت سینتا دست به اعتصاب زدند. اعتصاب در اعتراض به امانت مدیر عامل نسبت به یکی از کارگران صورت گرفت. علاوه بر این کارگران از تصمیم مدیریت مبنی بر اخراج ۲۰۰ تا ۲۵۰ تن از کارگران نیز به شدت خشمگین بودند.

* در اواسط خردادماه کارگران کارخانه ایران تایر بطور یکپارچه دست به کم کاری زدند. این حرکت در اعتراض به تصمیم مدیریت مبنی بر افزودن هر ساعات کار بدون افزایش حقوق، صورت گرفت. اعتراض کارگران و کم کاری آنان، مدیریت را به عقب نشینی واداشت.

برگرفته از نشریه اتحادیه انجمن های دانشجویان مسلمان خارج کشور

اعتصاب کارگران گروه صنعتی ملی

در روزهای ۹ و ۱۰ خردادماه ۱۲ هزار کارگر گروه صنعتی ملی (شامل شرکت شامد، شرکت آزاده، کفش فارس و...) دست از کار کشیدند و با برپائی تظاهرات در محوطه کارخانه و اطراف آن، رزمجویانه خواسته های برخی خود را مطالبه کردند.

اعتصاب با اعلام تغییراتی در ساعات کار روزانه کارگران از سوی کارفرما، آغاز شد. در فروردین ماه کارفرما ساعت کار روزانه را یک ساعت افزایش داد. در روز ۷ خرداد مدیریت اعلام داشت که از نهم خرداد بازم بر ساعت کار روزانه افزوده می شود و ساعت کار از ۶ صبح تا ۴ بعد از ظهر خواهد بود. کارگران با هو کردن پاشخ این اطلاعیه را دادند و زمره اعتصاب در میان کارگران پیچید. کوشش های مدیریت برای فریب کارگران و ایجاد شکاف در میان آنان نتیجه ای بهار نیارود. در همین روز (نهم خرداد) کارگران شرکت شامد، غذای کارخانه را تحریم کردند و سپس برخلاف دستور مدیریت در ساعت ۲/۵ بعد از ظهر دست از کار کشیدند. آنان در صفوف منظم از محل شرکت خارج شده و با دادن شعار اقدام به تظاهرات کردند. ابتدا کارگران شرکت آزاده و کفش فارس و سپس تمامی کارگران گروه صنعتی ملی بدانان ملحق شدند. ۱۲۰۰۰ کارگر تظاهرکننده پس از تظاهرات در محوطه کارخانه، در برابر ساختمان اداری گرد آمدند و خواسته هایشان را مطالبه نمودند.

در روز بعد (۱۰ خرداد) مسئولین تلاشهای بی نتیجه ای را برای بازداشتن کارگران از پیگیری مبارزه شان انجام دادند. کارگران به روال روز گذشته نخست غذای کارخانه را تحریم کردند و پس از برپائی تظاهرات در محوطه کارخانه در ساعت ۲/۵ بعد از ظهر، به بیرون کارخانه آمده و جاده قدیم کرچ را با آتش زدن یک لاستیک بزرگ مسدود ساختند و به کارتوضیحی در میان مسافری و رانندگان پرداختند. پس از یک ربع ساعت آنان جاده را باز کرده و به اتومبیلها اجازه آمد و رفت دادند. کارگران پس از این حرکت باردیگر به محوطه کارخانه آمدند. در این هنگام نماینده اداره کار در اجتماع کارگران حاضر شد و پس از مذاکرات پذیرفت که ساعت کار از ۶ صبح تا ۲/۵ بعد از ظهر (بدون ناهار) باشد و پنج شبه هاهم کار تعطیل شود.

کارگران در این حرکت اعتراضی دیگر خواسته های خود را نیز طرح کردند. برگرفته از نشریه راه کارگر شماره ۲۹

سیستان و بلوچستان

(بخش آخر)

زندگی در فراسوی فقر

زیرتأثیر پیداد جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی نسبت به این استان، بویژه بلوچستان حساسیت فوق العاده ای دارد. سرمداران رژیم می‌کوشند فقدان پایگاه اجتماعی خود در میان توده‌ها را با ایجاد پایگاه‌ها و قرارگاه‌های نظامی در منطقه، جبران کنند. رژیم خود آگاه است که چه رنج گرانباری برای زمینکشان بلوچ به ارمغان آورده است. علاوه بر فقر و تنگدستی مملکت، اعتیاد، بیسوادی، دزدی و قاچاق، اختناق و اعزام به جبهه دیگر دردهایی هستند که بر جان رنجور بلوچستان چنگ انداخته‌اند. اعتیاد، کارگزاران رژیم در منطقه، خود، بلوچستان را "بهشت معتادان" می‌نامند. اعتیاد در هر خانه و کوچه و مدرسه‌ای سرک می‌کشد. در گسترش این بلا می‌سوز که از بیکاری و فشارهای روانی نیرو

می‌گیرد، رژیم خود سهم بسزایی دارد. خان‌ها و قاچاقچیان که با ولایت فقیه "بیعت" کرده‌اند، برای پر کردن جیب خود و عوامل حکومتی شیره جان پیرو جوان را می‌مکند. بیسوادی و سطح بیسوادی در استان سیستان و بلوچستان از همه استانهای کشور پایین‌تر است. در سیستان ۹۰ درصد کودکان روستایی بی‌سوادند. نموداری که در روزنامه رسالت مورخ ۹ بهمن ۶۵ به چاپ رسیده، بیان آشکار این واقعیت است. رژیم نه تنها کام موقری در رفح بیسوادی استان پرنداشته است، بلکه همان هزینه اندکی را هم که ظاهراً به این امر اختصاص یافته به عناوین مختلف، منجمله کمک به جبهه، بازیس می‌گیرد. برای مثال سرپرست نهضت سوادآموزی شهرستان سراوان در اردیبهشت ماه سال جاری، اظهار داشت که در سال گذشته این نهاد علاوه بر



راه و ترابری استان اخراج شدند. بر همه این دردها، فساد و رشوه‌خواری، دزدی و قاچاق مواد مخدر و کالا را باید افزود. مسئولین سیاه پاسبی و دیگر نهادهای نظامی و غیر نظامی رژیم در بلوچستان، خوان یغای گسترده‌ای در اختیار دارند. از جمله در اسفندماه سال ۶۵، فرمانده سیاه راسک به قاچاق سیم‌های مس با همکاری یک پاکستانی پرداخت. مجموعه عوامل یاد شده نفرت سوزان مردم را علیه جمهوری اسلامی برانگیخته است. در زیر آفتاب سوزان سیستان و بلوچستان، تراره خشم خلق پر لپیبت‌تر از همیشه زبانه می‌کشد.

اروپا*

در جایی دیگر زندگی می‌کنند که مرگ را در آن راهی نیست.

بهوش باشید که آنان در وجود مردان جوان دیگری حلول کرده‌اند!

آنان در وجود برادرانی می‌زیند که هم‌اکنون شما را به مبارزه می‌طلبند.

مرگ، آنان را بیشتر تطهیر کرده و

روحشان را متعالی‌تر ساخته است.

بر پشت آن زمین، که خون شهید آزادی ریخته می‌شود
بذر آزادی خواهد رست، کسه به نوبه خود به گل و بذرهای دیگر
خواهد نشست،

و باد آن بذر را با خود به دور دست‌ها خواهد برد و از نو بر پشت زمین
خواهد افشاند، و برف و باران آنرا سیراب خواهد کرد.

روح جدا شده یک آزاده، نه تنها سلاح از کف ارباب ظلم می‌ستاند.
بل، بصورتی نامرئی، پهنه زمین را در خواهد نوردد،
و آگاهانه با همه، به خلوت خواهد نشست...

ای آزادی، بگذار دیگران از تو دل بر کنند،

من از تو هرگز دل بر نخواهم کند.

اگر درها بسته است!

اگر خداوند خانه در خانه نیست!

با این همه،

از چشم انتظاری خسته نشوید

او بزودی باز خواهد گشت

پیام آورانش هم‌اکنون در راهند.

* اشاره به سال‌های ۴۹-۱۸۴۸ انقلاب اروپا

مسئله در شدت جاه‌طلبی‌ها و حدت مصیبت‌ها و کثرت قتل‌ها و جنایت‌ها نیست،

مسئله در بیرون کشیدن ناچوانمردانه مزد اندک فقر است...

و وعده‌های فراوانی که با پشتوانه سوگوئند، داده شد

و به خیره‌سری شکسته شد...

هریک از، سرمداران، آمدند، با خیل ملتزمین خود: جلادان، کشیش‌ها،
خسراج‌گذاران، باج‌ستانان، اشراف‌زادگان، و خیل چاپلوسان و
مفت‌خواران و بادمجان دورقاب‌چینان، و زندانبانان...

و هر یک سلاحی در آستین، نهان...

در این رهگذر، اجساد در گورهای تازه انباشته می‌گردند -

اجساد غرقه در خون مردان جوان.

طناب‌ها در چوبه‌دارها، سنگینی می‌کنند، و تیرهای بیشتری رها می‌گردد

و مخلوقات صاحب قدرت به صدای بلند می‌خندند،

و همه اینها، ثمر و میوه خواهد داد...

آن اجساد مردان جوان،

آن شهیدانی که از چوبه‌دار خلق آویزند،

آن قلب‌هایی که با سرب مذاب سوراخ سوراخ شده‌اند،

با اینکه، سرد و بیروح برجای مانده‌اند،

بحران ارزی، تنگناها و پی آمدها

بقیه از صفحه اول

اوپیک را نیز برسمیت شناخته است و در شرایط کنونی پی فراتر از سهمیه مجاز خود، نفت صادر می‌کند. فشارهای ارزی به اتخاذ سیاست صرفه‌جویی اکید توسط رژیم جمهوری اسلامی منجر شد. بودجه ارزی وزارتخانه‌های بازرگانی، صنایع و صنایع سنگین شدت کاهش یافت. بودجه ارزی وزارت صنایع در سال ۶۵ به یک ششم ارز مورد نیاز این وزارتخانه تقلیل یافت و ارز تخصیص یافته به وزارت صنایع سنگین در همین سال به یک دهم ارز مورد نیاز آن محدود شد. "صنایع ارزبر" تعطیل شدند و رژیم سیاست معامله بر اساس "یوزانس" و "بای‌بک" را در مورد صنایع و واحدهای داخلی بکار گرفت. معامله بر اساس روش "یوزانس" در واقع اخذ وام غیر رسمی است. این روش بدین گونه است که رژیم بطور نسیه مواد خام، لوازم یدکی و افزارهای تولیدی را از کشورهای دیگر وارد کرده و پول - ارز - آنرا پس از مدتی، که در قرارداد منظور می‌شود، پرداخت می‌نماید. روش "بای‌بک" نیز بدین گونه است که کشور ثانی با صدور ابراز تولید و مواد خام، کالاهای تولید شده در ایران را تصاحب کرده و در بازار کشور خود و یا کشور ثالث به فروش می‌رساند. طبق گزارش‌های منتشر شده از سوی کاشناسان بین‌المللی مسائل اقتصادی و مالی، سرسید پرداخت این معاملات نسیه - یوزانس - اخیراً فرا رسیده و رژیم در پرداخت این وجوه با دشواریهای جدی مواجه است. بنابراین سرسید پرداخت معاملات یوزانس نیز بر کسری ارزی رژیم میتواند تأثیرات جدی بر جای نهد.

دادگاه لاهه

بحران ارزی رژیم

روزنامه زودودیچه تسایوتونگ در تاریخ ۱۱ ژوئیه به نقل از خبرگزاری آلمان (فدرال) اعلام کرد که طبق حکم دادگاه لاهه، جمهوری اسلامی در هفته گذشته محکوم به پرداخت ۱۰۰ میلیون دلار به شرکت نفتی آمریکایی "سدکو" گشته است. شرکت نفتی آمریکایی "سدکو" وابسته به گروه "شلمبرگر" در شرایطی موفق به اخذ غرامت می‌گردد که پرونده‌های چند شرکت نفتی دیگر آمریکا نیز هم اینک در دادگاه لاهه مورد رسیدگی است. طبق گزارش نشریه "ایرانین آستز" لیتیکیشن رپورتر در تاریخ ۸۷/۲/۲۷، خواسته برخی از این

سال ۶۲ می‌باشد. بموازات کاهش بهای نفت در بازارهای جهانی این کالا، توان صادرات نفتی رژیم نیز در اثر بمبارانهای مکرر تأسیسات نفتی کشور توسط عراق کاهش جدی یافت. جمهوری اسلامی می‌کوشد تا با دست زدن به تبلیغات وسیع چنین وانمود سازد که در حد سهمیه خود، نفت صادر می‌کند. اما همه گزارشهای بین‌المللی امور نفتی بر آن دلالت دارند که جمهوری اسلامی در سال جاری نیز پسان سال گذشته هرگز قادر نشده است هم تراز یا سهمیه خود نفت صادر نماید.

همراه با این دو وجه بحران را، کاهش نرخ برابری دلار در مقابل سایر ارزهای قوی جهانی نیز بعنوان عامل مشدد بحران، ایفای نقش کرده است. بعلاوه نوع بستگی معاملات نفتی به دلار، درآمد ارزی رژیم عملاً به دلار تحصیل شده، حال آنکه عمده واردات رژیم از کشورهای آلمان فدرال، ژاپن و... صورت می‌گیرد. کاهش نرخ برابری دلار در برابر سایر ارزهای قوی، این تأثیر را دارد که درآمد ارزی رژیم قدرت خرید سابق را از کف داده است.

کسری درآمد ارزی

وسپاستهای رژیم

کسری درآمد ارزی به لحاظ اقتصادی بدین معناست که درآمد ارزی حاصله - واقعی - کفایت نیازهای ارزی را نمی‌دهد. تجربه سال ۶۲ نشان داد که رژیم حتی با واردات ۲۲ میلیارد دلاری خود قادر نگردید تمام نیازهای کشور را برآورده سازد. از سال ۶۲ بدین سو، رژیم همه ساله با کسری درآمد ارزی مواجه بوده است. این کسری در سال گذشته به اوج خود رسید و کل درآمد ارزی رژیم در این سال از ۵ میلیارد دلار فراتر رفت. رژیم خمینی، ناگزیر سیاست صرفه‌جویی اکید ارزی را پیشه نمود ولی پرواض است که این سیاست هرگز حیل چنگ را در بر ننگرفت. تنگناهای ارزی رژیم زمانی قابل درک است که دریافته شود دولت عراق با استفاده و بهره گرفتن از خاک ترکیه و عربستان سعودی در دو سال گذشته چگونه ای مداوم بر صادرات نفتی خود افزوده است و حتی مصوبه اجلاس دسامبر ۸۶ و اجلاس اخیر

اخیر محسوب می‌شود. از نشست وزرای نفت کشورهای عضو اوپیک در مارس سال ۸۲ که منجر به کاهش بهای نفت به میزان ۵ دلار در هر بشکه گردید - از ۲۴ دلار به ۲۹ دلار - تا دسامبر سال ۸۶، بهای نفت بدون در نظر گرفتن نوسانات مقطعی، چگونه ای مداوم کاهش یافت. کاهش بهای نفت در تاپستان سال گذشته به اوج خود رسید. بهزاد نبوی وزیر صنایع سنگین رژیم در همان زمان اعتراف کرد که رژیم، نفت صادراتی خود را زیر ۶ دلار معامله می‌کند. بافت لرزانگی اقتصاد کشور که به جنبش افتاد، دیری نپایید که همه فعل و انفعالات اقتصادی کشور و بویژه عرصه تولید را زیر تأثیر مخرب خود گرفت. گرچه بهای نفت در اثر کارگرفت سیاست تحدید عرضه این کالا از سوی اوپیک در اجلاس دسامبر ۸۶ - و همچنین در گردهمایی اخیر این سازمان - افزایش یافت و به حد ۱۸ دلار بازای هر بشکه رسید، ولی این افزایش بهای نفت نیز نتوانست بحران ارزی رژیم را بطور جدی تخفیف دهد. رژیم خمینی هرگز نتوانست بابت صدور هر بشکه نفت ۱۸ دلار ارز تحصیل نماید، چرا که درآمد حاصله از صدور هر بشکه نفت برای رژیم با احتساب نرخهای کلان بیمه کشتیرانی در آبهای خلیج و در نظر گرفتن هزینه انتقال نفت به "مبادی امن صادراتی" بسیار کمتر از ۱۸ دلار می‌باشد. نشریه انگلیسی "میدل ایست اکونومیک دایجست" نیز طی گزارشی درباره میزان نفت صادراتی ایران به این امر اشاره کرده است. از جانب دیگر رژیم بدنال بمبارانهای مکرر پالایشگاههای کشور، ناگزیر سالانه وجه قابل ملاحظه‌ای از درآمد ارزی نفتی خود را صرف واردات فرآورده‌های نفتی مورد نیاز داخل کشور می‌کند. رژیم در بودجه سال ۶۶، مبلغ ۸۷۶ میلیارد ریال را بعنوان درآمد نفتی منظور کرده است. گرچه خود مسئولین رژیم نیز نسبت به تحصیل این میزان درآمد نفتی ابراز شک و تردید کرده اند ولی حتی با فرض تحصیل این میزان درآمد ارزی، رژیم با کسری جدی درآمد ارزی مواجه خواهد بود. این میزان درآمد ارزی ناشی از صدور نفت قریب به ۹ میلیارد دلار کمتر از میزان حداقل ارز مورد نیاز رژیم ۱۲ میلیارد دلار کمتر از واردات بیسابقه ۲۲ میلیارد دلاری

صرف نظر نمائیم و به منظور سهولت در برآورد حتی تأثیرات غیر قابل انکار درآمد ارزی نفتی را بر همین چند درصد درآمد ارزی ناشی از صادرات غیر نفتی را نیز در نظر بگیریم، بدور از هر گونه شک و شبهه ای میتوان اظهار داشت که درآمد ارزی رژیم، درآمدی نفتی است، درآمدی ناشی از صدور و فروش نفت است. اقتصاد تک محصولی و یک پایه، اقتصادی ویژه است و ویژگی آن، وابستگی تام و تمام - مستقیم و غیر مستقیم - همه فعل و انفعالات اقتصادی در عرصه عملکرد داخلی و یا ابعاد داد و ستدهای جهانی، به درآمد ناشی از آن کالای محوری بوده و این کالای محوری در اقتصاد وابسته بیمار ایران، نفت است. وابستگی اقتصاد کشور به نفت و دلار ناشی از صدور و فروش آن در سالهای اخیر چگونه ای شتابان افزایش یافته است. سهم درآمد نفتی در کل درآمد ارزی کشور در سال ۱۳۴۰، معادل ۵۴ درصد بود و این سهم در سالهای اخیر چگونه ای شتابان افزایش یافته است. سهم درآمد نفتی در کل درآمد ارزی کشور در سال ۱۳۴۰، معادل ۵۴ درصد بود و این سهم در سالهای اخیر بالغ بر ۹۵ درصد گردید. بافت اقتصادی کشور چون لرزانگی بر درآمدهای نفتی استوار شده است و از اینرو بحران در پایه پلادرتک بر کل پیکر مستولی می‌گردد.

بحران ارزی حاکم بر اقتصاد کشور حاد است. علل پیدائی آن، سه رکن جدا از هم می‌باشد. این سه رکن کدامند؟ اول آنکه بهای نفت - این منبع اصلی درآمد ارزی و عمومی کشور - در بازارهای جهانی کاهش یافته است، دوم بدان خاطر که توان صادرات نفتی رژیم شدت نقصان یافته است و سوم بدان جهت که دلار ناشی از صدور و فروش نفت کشور بنا به سیاستهای پولی و بانکی انحصارات امپریالیستی از ارزش پیشین خود ساقط شده است. بحران حاد ارزی کنونی کشور محصول و مولود تأثیرات درهم تنیده این سه عامل می‌باشد.

سه عامل مؤثر در بحران ارزی

یکی از اصلی‌ترین عوامل بحران زای اقتصاد کشور در لحظه کنونی، کاهش بهای نفت در سالهای

بحران در روند

بقیه از صفحه آخر

می نویسد، "قاضی ... از ماجرا سر در نمی آورد از ماه ها قبل به این طرف قسم یاد می شود که تنها سرخ نمپ گذاری های سال ۱۹۸۶ یک ایرانی است. و اینکه رئیس نمپ گذاران از ایران دستور می گیرد. اما هنگامیکه یک قاضی تصمیم می گیرد تا این ایرانی را (حتی بعنوان یک شاهد ساده) مورد بازجویی قرار دهد وی فرار داده می شود. سازماندهی فرار بدون شک توسط سرویس های فرانسوی صورت گرفته است. این امر شگفتی می آفریند و یا منطق منافع دولتی را می نمایاند؟"

همین هفته نامه در ادامه مقاله خود این "منطق" را تشریح می کند: "... به خاطر نقش وحید گرچی، تحقیقات قضات رفته رفته بطور جدی وزارت امور خارجه (فرانسه) را نگران می سازد. از یکسال پیش، این

شخص ... در مذاکرات ایران و فرانسه یک کلید و یک مهره است ... او کارمند ساده بوده و رده دیپلماتیک ندارد. معذالک، مخاطبین وی در وزارت امور خارجه فرانسه وحید گرچی را به عنوان شخص درجه اول "غیررسمی" سفارت ایران به حساب می آورند. ... وی در ۲۱ ماه به به همراه علی رضا معیری به کاخ نشست وزیری به نزد ژاک شیراک رفت و به علاوه پدر وحید پزشک سابق خمینی و بویژه تاجری است که از ۱۰ سال پیش در پاریس زندگی می کند و در مبادلات تجاری میان فرانسه و ایران تخصص داشته و از جانب بانکداران فرانسوی بسیار مورد توجه است. در وزارت امور خارجه (فرانسه) می گویند، "چگونه ممکن است که این شخص رئیس آدمکش های خیابان ران باشد؟"

پیرامون موقعیت گرچی، سختگوی نشست وزیر فرانسه گفت که گرچی مسئول اطلاعاتی رژیم جمهوری اسلامی در اروپا بوده است.



پلیس فرانسه در حین بازرسی مراجعین سفارت ایران در پاریس

کمد های مالی رسیده

از سوئد	۲۶۰۰ ریال
از سوئد رفقای کریلنو	۳۰۰ کرون
کمک به خانواده زندانیان سیاسی	۸۲۰ کرون
یادگار از سوئد	۸۰ کرون
از سوئد	۱۰۰ کرون
از مالمو-سوئد	۲۰۵ کرون
سان وکیل	۲۰۰ کرون
افسانه حسینی	۱۰۰ کرون
از سوئد	۱۰۰ کرون
بیزن-املسوئد	یک سکه طلا
بیزن-ساملسوئد	۱۰۰۰ ریال
از فرانسه جهانگیر	۸۵۰ فرانک
به یاد تاهان و میثمی	۱۶۵۰ "
نسترن	۸۵۰ "
مرضی	۱۱۴۰ "
یک ایرانی-آلمان	۵۰ مارک
از آلمان	یک سکه طلا
مهدی از فلهرت آلمان	۱۰ مارک
کمک مالی به زندانیان سیاسی از کیل-آلمان	۵۰۰ مارک
ف از کیل-آلمان فدرال	۱۰۰ مارک
از طرف بچه های اشتاین هاین	۲۰ مارک
مسعود از ابروکن	نیم سکه طلا
جهانگیر از مونیخ-آلمان	۲۰ مارک
رفقا از شهر مونیخ	۱۶۸ مارک
رفقای پورکاشو-آلمان	۴۰ مارک
به خاطر نامزدی رفقای فدایی در بیلفلد	۱۸۲ مارک
هدیه به جشن از بیلفلد	۱۶ پیراهن
از هلند تلاش جمعی از رفقا به یاد فداییان اسپر	۲۲۴۸ کیلن
ایوا از شیکاگو-آمریکا	۵۰ دلار
کمک به جنبش کمونیستی ایران از ژاپن	۱۰۰۰ یین
ج ۱۱۸ از آلمان فدرال	۲۹ مارک
س ۱۰ از هلند	۱۵ کیلن
برای جنبش کمونیستی-ژاپن	۱۰۰۰ یین

سرمایه گذاری کند، آیا تا به حال مذاکراتی صورت پذیرفته است؟" و سفیر رژیم خمینی در ژاپن صریحاً پاسخ می دهد، "مطمئناً ژاپن نقش بسیار عظیمی می تواند داشته باشد. ما زمینه های جذب فعالیت های اقتصادی را فراوان تر از سایر کشورها داریم. هر چه اقتصاد پیشرفته تر باشد، زمینه جذب سرمایه ها بیشتر می شود. در نتیجه مطمئناً می توانیم در زمینه بازسازی از ژاپن استفاده کنیم. البته همواره سیاست ایران این بوده به در درختی که می خواهد پس از جنگ میوه بدهد، اکنون باید کاشته شود و اگر اکنون کاشته شود مطمئناً آن موقع هم درخت است و هم میوه خواهد داد. آنها توافق و علاقه خود را اعلام کرده اند اما ما باید برنامه های بیشتری را در این زمینه طراحی کنیم و در این زمینه تصمیم گیری به عمل آوریم." *

مسائل مطروحه به وضوح نشان می دهند که و امهای خارجی پنهان - مانند خرید بوزانس که خود نوعی اخذ غیر آشکار وام خارجی است - ویاتوسل به شیوه های "های پک" از این پس نخواهند توانست نیازهای ارزی جمهوری اسلامی را برآورده سازند و رژیم در ماههای آتی پیش از پیش به اخذ وام رسمی خارجی چشم خواهد دوخت.

هفته نامه دولتی کیهان هوایی در تاریخ ۱۷ تیر ماه ۶۶ در مصاحبه ای با حسین عادل سفیر جدید رژیم در ژاپن مسئله اخذ وام از ژاپن را در قالب جذب سرمایه ژاپن به کشور مطرح می کند. خبرنگار کیهان هوایی از سفیر رژیم در ژاپن پرسیده بود، "چندی پیش آقای رفسنجانی اظهار امیدواری کرده بودند که ژاپن بتواند در قسمتی از بازسازی خرابی های ایران پس از جنگ،

اینجاست که بنا به گزارش های نشریه "ایرانیین آستز لیتیکیشن رپورتر" پیش بینی می شود که تا پایان سال ۸۷، احکام پزشکی از نظر خواسته از سوی دادگاه لاهه علیه جمهوری اسلامی صادر شود. در این صورت جمهوری اسلامی برای نخستین بار در تاریخ عملکرد بیانییه الجزایر با این مسئله مواجه خواهد شد که برای تامین مهالغ احکام صادره، علاوه بر مهالغ سپرده ۱ میلیارد دلاری اولیه، سپرده یا سپرده های جدیدی از منابع ارزی بانک مرکزی را به حساب دادگاه لاهه در هلند منتقل کند. با توجه به بحران ارزی رژیم که ناشی از کاهش صدور بهای نفت می باشد، هرگونه اختصاص سپرده های جدید به دادگاه لاهه، برای رژیم فوق العاده دشوار و کمر شکن خواهد بود و به بحران ارزی حاکم ابعاد ویژه ای خواهد بخشید.

شرکتهای نفتی آمریکایی بالغ بر چند صد میلیون دلار می باشد. تنها دو پرونده که امر رسیدگی به آنها هم اینک در دادگاه لاهه در جریان است متعلق به دو شرکت "فیلپز پترولیوم کمپانی ایران" و "آموکو ایران اویل" می باشد. تنها خواسته پرونده شرکت نفتی "آموکو" (۱ میلیارد دلار اعلام شده است.

همانگونه که پیش از این نیز در این خصوص خاطر نشان شده است، جمهوری اسلامی طبق بیانییه الجزایر، مهالغ ۱ میلیارد دلار بعنوان سپرده در نزد دادگاه لاهه قرار داده و موظف شده است که هرگاه موجودی این حساب ۱ میلیارد دلاری کاهش یافت و به زیر ۵۰۰ میلیون دلار رسید، مجدداً آنرا اترمیم نماید. تاکنون جمهوری اسلامی چهار بار این سپرده را اترمیم کرده است. ولی موضوع اصلی

در فیلیپین چه می‌گذرد؟

نارضایتی کردند. به تعبیر آنها، دو غده سرطانی فساد و فقدان روحیه جنگی، مانع موفقیت نیروهای مسلح فیلیپین در مقابله با "ارتش نوین خلق" بود. پنتاکون برای "اصلاح" ارتش فیلیپین در جهت اهداف خود، از سال ۱۹۸۲، ژنرال فیدل راموس را که در آکادمی نظامی ارتش آمریکا تحصیل کرده است، مورد حمایت قرار داد. راموس به پرچمدار به اصطلاح "شرافت سربازی" در برابر نظامیان سرسپرده مارکوس تبدیل شد. در جریان شورش راموس علیه کاخ "مالاکانیا" در فوریه ۱۹۸۶، سیستم مخابراتی سفارت آمریکا و پایگاههای نظامی ایالات متحده در فیلیپین در اختیار ژنرال راموس و متحد آن روزش، انریله وزیر دفاع قرار گرفت.

راموس از هنگام روی کار آمدن آکینو تاکنون به بار نقش تعیین کننده‌ای در خفگی کردن تلاش برخی نظامیان برای برکناری رئیس جمهور ایفا کرده است؛ یک بار هنگام تلاش طرفداران مارکوس به رهبری آرتورو تولنتینو (کاندید معاونت ریاست جمهوری از سوی دیکتاتور پیشین) به منظور بدست گرفتن قدرت، بار دیگر هنگام کودتای نافرجام انریله وزیر دفاع وقت در نوامبر ۱۹۸۶، و بالاخره در جریان آخرین کودتا در ژانویه ۱۹۸۷ راموس با چانه‌داری از آکینو و جلوگیری از این به کودتا، موقعیت خود را بیش از پیش تحکیم کرد. از سوی دیگر، برنامه کودتایچیان و به ویژه انریله، به سیاست رسمی دولت تبدیل شد؛ وزرای پورژوا - دمکرات و لیبرال برکنار شدند و به "ارتش نوین خلق" برای برقراری آتش بس و خلع سلاح آن اتمام حجت کردید.

انریله از عرصه تعقیب جزایی مصون ماند و رهبری هلامنازع اپوزیسیون راست آکینو را عهده‌دار گردید. وجه مشخصه همه "توطئه‌های کودتا" از راست، این بود که اولاً از پیش حتی طراحان آنها نیز عدم موفقیت این تلاش را برنامه‌ریزی کرده بودند و ثانیاً هر بار، گردانندگان کودتا با دولت آکینو سازش کردند.

رافائل ایلنو، وزیر دفاع جدید که پس از انریله به این سمت منصوب شد، در ارتش آمریکا آموزشهای ویژه "ضد شورش" دیده و در لاشون ویتنام و چند کشور خارجی دیگر نیز "تجربه" اندوخته است. وی "متخصص" مقابله با جنبش‌های چریکی است.

ارتش فیلیپین هم اکنون در ◀

مجمع ۵۰ نفری منصوب آکینو، کار تدوین طرح قانون اساسی جدید کشور را آغاز کرد. در روز دوم فوریه ۱۹۸۷، اکثریت رای دهندگان فیلیپینی به قانون اساسی مصوب این مجمع و نیز تمدید دوره ریاست جمهوری آکینو تا سال ۱۹۹۲، رای دادند. در این قانون، خواست دهقانان مبنی بر انجام اصلاحات ارضی نادیده گرفته شده و حفظ پایگاههای نظامی آمریکا تصریح گردیده است. طبق این قانون، برای نظام "دمکراسی" فیلیپین یک الگوی آمریکایی شامل رئیس جمهور، سنا و مجلس نمایندگان پیش بینی شده که در حقیقت، احیای قانون اساسی ۱۹۳۵ است.

در ماه مه سال ۱۹۸۷، طبق قانون اساسی جدید، انتخابات در مجلس فیلیپین برگزار شد. طرفداران آکینو رئیس جمهور توانستند در هر دو مجلس اکثریت نیرومندی از کرسی‌های خود اختصاص دهند.

نقش ارتش

در واپسین سالهای حکومت مارکوس، نمایندگان دولت آمریکا بارها از عدم کارایی ارتش فیلیپین در سرکوب جنبش چریکی ابراز

وجه مشترک این طیف بسیار نامهمگون از نیروها، مطالبه حذف مارکوس از صحنه سیاسی بود. اما این تحول حتی از لحاظ سیاسی نیز نمی‌توانست پاسخگوی خواستهای سراسر این طیف باشد.

قدرت سیاسی پس از رویدادهای فوریه ۱۹۸۶، بدون شرکت نمایندگان کارگران، دهقانان و اقلیت‌های ملی شکل گرفت. ائتلاف حاکم را نمایندگان اپوزیسیون پورژوایی رژیم مارکوس از یک سو، و از سوی دیگر نظامیان و تکنوکراتهایی که در آخرین لحظات، جانب مارکوس را رها کرده بودند، تشکیل دادند. خوان بونسه انریله وزیر دفاع و فیدل راموس فرمانده ارتش مارکوس که با تغییر موضع خود، آکینو را بر مسند قدرت نشاندند، در ادامه حکومت مارکوس، مانعی تاکتیکی بر سر راه نابودی جنبش چریکی و احزاب و سازمانهای علنی چپ می‌دیدند.

در کابینه آکینو، برخی پست‌های غیر کلیدی به شخصیت‌های پورژوا - دمکراتی نظیر آکوستو سانچز وزیر کار سپرده شد. اما مدت زیادی نگذشته بود که سانچز جای خود را به فرانک دریلون، رئیس پیشین اتحادیه کارفرمایان فیلیپین داد! در تاپستان سال گذشته، یک

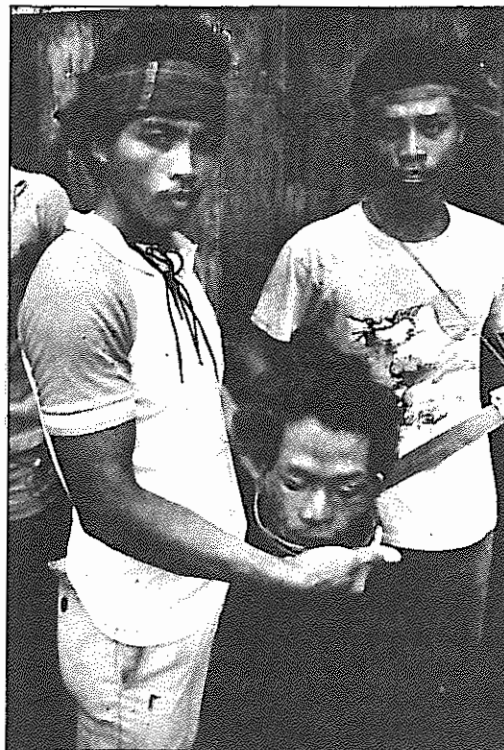
نزدیک به یک سال و نیم از سرنگونی رژیم مارکوس در فیلیپین می‌گذرد. کورازون آکینو، نماینده ائتلاف گسترده‌ای از نیروهای پورژوایی و زمینداران بزرگ، پس از پیروزی جنبش عظیم ضد دیکتاتوری مردم فیلیپین، توانست به مقام ریاست جمهوری دست یابد. امپریالیسم آمریکا، که برای حفظ مواضع و به ویژه پایگاههای خود، سالها از دیکتاتوری مارکوس پشتیبانی کرده بود، اکنون برای مقابله با جنبش انقلابی فیلیپین تحت رهبری کمیونیستهای این کشور، به رژیم آکینو امید بسته است. "الگوی فیلیپین" برای طراحان استراتژی امپریالیسم از آن حیث حائز اهمیت است که واکنش، آن را آزمایشی می‌داند که در صورت موفقیت، می‌تواند در کشورهای کره جنوبی - و شاید در برخی کشورهای آمریکای لاتین مانند نیلی - تکرار شود.

اما فیلیپین آرام نگرفته است. آکینو هنوز با دشواریهای بزرگی روبرو است. انقلابیون، به ویژه جنبش چریکی، مبارزه خود علیه رژیم را شدت بخشیده‌اند. ارتش دولتی، علیرغم از سرگیری جنایات خود، متقابلاً بر اثر عملیات "ارتش نوین خلق" منحل ضربات زیادی می‌شود. نفوذ حزب مردم ("بایان")، حزب علنی اپوزیسیون چپ، گسترده است. سرشت آینده فیلیپین را پیکاری سخت رقم خواهد زد. موقعیت کنونی در این پیکار، چگونه است؟

"قدرت خلق" با حکومت

سرمایه داران و ملاکان بزرگ

مشارران آکینو در جریان مبارزه انتخاباتی وی علیه مارکوس، شعار "قدرت خلق" را با زیرکی بعنوان شعار اصلی انتخاب کردند. این شعار، در مبارزه ضد دیکتاتوری، بیانگر خواستها و تمایلات گسترده‌ترین طبقات و اقشار گردید. "قدرت خلق" مورد نظر آکینو، شامل همه آنهایی بود که خارج از بخش فوقانی دستگاه حکومتی مارکوس قرار داشتند، مردم محروم شهر و روستا، اقشار میانی شهری، کلیسای کاتولیک، آندسته از بزرگ مالکان و پورژوای بزرگ که از لحاظ سیاسی و اقتصادی در رژیم مارکوس از سهم مطلوب خود محروم بودند، و حتی برخی ارکان مهم رژیم مارکوس مانند نظامیان "اصلاح طلب" و تکنوکراتها و بوروکراتهای "پیشرفته".



سربریده یک کوهنست در دست چنانکارانی که مورد حمایت ستقیم ارتش هستند.

مبارزات پناهندگان ایرانی در سوئیس

فعالیت خود را به طور متشکل آغاز کردند.
بعد از ظهر روز ۱۲ خرداد، پناهندگان در "پادگان" که بارها علیه سوئیس تغذیه اعتراض کرده بودند، از صرف غذا خودداری نمودند. این اقدام و گردهمایی پناهندگان برای مشاوره جهت پیشبرد حرکت اعتراضی خود، با واکنش توهین آمیز یکی از مسئولان اردوگاه روبرو شد. این امر خود به گسترش مبارزات پناهندگان انجامید. پلیس زوریخ برای درهم شکستن مقاومت ساکنان "پادگان" و اجرای حکم انتقال ۵ تن از آنان بعنوان رهبران اعتصاب، در روز جمعه ۱۵ خرداد محل را به محاصره خود در آورد و این ۵ نفر را به زور به اردوگاههای اطراف زوریخ برد.
برخی روزنامههای زوریخ به بازتاب دادن مبارزات پناهندگان پرداختند.
۵ نفر پناهنده که از "پادگان" اخراج شده اند، هم اکنون در منازل دوستان ایرانی و سوئیسی خود ساکنند و خبر اخراج آنها را تهدید می کنند.

در هفته های اخیر مبارزات پناهندگان ایرانی در سوئیس علیه شرایط غیر انسانی زندگی و اقدامات سرکوبگرانه دولت این کشور، گسترش یافته است.
از اواخر سال گذشته میلادی، به علت افزایش شمار پناهندگان سیاسی، اردوهای خارج از شهر زوریخ دیگر کنجایش پذیرش پناهندگان جدید را ندارد. از این رو، مقامات در زوریخ تصمیم به اسکان پناهندگان در هتلها و ساختمانهای خالی و مخروبه گرفتند.
گروهی از پناهندگان، شامل بیش از ۱۰۰ نفر ایرانی و حدود ۲۰ تن از اتباع دیگر کشورها، در محلی که سابقا پادگان بوده است، جا داده شدند.
ساکنان این پادگان توسط فیبرو نظریان به سلولهای کوچکتر تقسیم شده که حکم "اتاق" را دارند. در این محل، امکانات کافی برای تهیه غذا وجود ندارد. شرایط زندگی در "پادگان"، بسیار دشوار است و به مسائل بهداشتی رسیدگی نمی شود.
پناهندگان از زمستان سال گذشته در اعتراض به این رفتار غیر انسانی،

تظاهرات و اعتراضات پناهندگان در جنوب آلمان فدرال

علت حکومت دولت ایالتی "اشراف"، ارتجاعی ترین و ضدخارجی ترین مقررات و عملکرد را دارد، گسترده ترین مبارزات پناهندگان شکل می گیرد.

عکس این صفحه صحنه ای از تظاهرات پناهندگان ایرانی در شهر آلمانی رگنسبورگ را نشان می دهد. پناهندگان در این تظاهرات علیه کارکرد ارتجاعی مسئولین محلی شعار بقیه در صفحه بعد

جنبش پناهندگان سیاسی در آلمان فدرال به منظور دفاع از حقوق انسانی و قانونی خود، پیوسته ابعاد گسترده تر و اشکال سازمان یافته تری به خود می گیرد. پناهندگان ایرانی، در می یابند که تنها با اتحاد و تشکل خود، می توانند در برابر اجحافات مقامات راستگرا و نژادپرست ایستادگی کنند. شمار تظاهرات، اعتصابات و سایر اقدامات اعتراضی در جنوب آلمان فدرال رو به افزایش است. به ویژه در ایالت پالین که به

حال اعلام نموده که به شکل قانونی مبارزه سایر احزاب و سازمانهای چپ، احترام می گذارد. این احزاب و سازمانها، به ویژه در شهرهای بزرگ مانند مانیل فعال هستند و در انتخابات، شرکت کردند. بزرگترین آنها، حزب مردم (پایان) است که سال گذشته با اتحاد شمار وسیعی از سازمانها و گروههای چپ تشکیل شد.

خوزه ماریا سیسون، بنیانگذار سی.پی.بی. اکنون از رهبران حزب علنی "پایان" است. وی در مصاحبه ای با نشریه "آ.ای.ب." چاپ آلمان فدرال، تناسب نیروهای نظامی در فیلیپین را چنین تشریح کرده است: "ارتش نوین خلق، هسته ای متشکل از ۱۰ هزار مبارز مسلح به مسلسل دارد که در برابر ۴۰ هزار نفر واحدهای مشابه نیروهای مسلح فیلیپین که به ۸۵ گردان تقسیم شده اند، وزنه متقابل مناسبی تشکیل می دهند. ارتش نوین خلق قادر است علاوه بر این از پشتیبانی دهها هزار، دقیق تر بگویم حداقل ۲۰ هزار چریکهای نیمه وقت دارای تجهیزات کم ارزش تر، برخوردار شود. نیروی رزمی ارتش نوین خلق با یک میلیشیای ۲۰۰ هزار نفره که مجهز به خنجر، نیزه و سایر انواع سلاحهای ابتدایی است، تکمیل می گردد.

واحدهای جنگی نیروهای مسلح، از سوی واحدهای عادی پشتیبانی، شامل ۱۲۰ هزار نفر، ۵۰ هزار پلیس و در حدود ۷۵ هزار کماندوی شبه نظامی، حمایت می گردند. ۱۰ میلیون فیلیپینی در ۶۹ جبهه چریکی واقع در ۶۲ استان از ۷۲ استان، ستون فقرات ارتش نوین خلق محسوب می شوند... وی شمار اعضای "حزب مردم" را که فعالیت قانونی دارد، بیش از نیم میلیون تن و تعداد اعضای سازمانهای توده ای این حزب را ۲ میلیون نفر برآورد کرده است. به گفته سیسون، هدف مرحله ای ارتش نوین خلق، دستیابی به "توازن استراتژیک"، یعنی تامین شرایط ادامه کاری انقلابی این ارتش برای پیشبرد مبارزه ای طولانی است.

خواستهایی که بخش علنی جنبش چپ فیلیپین در حال حاضر بخش عمده فعالیت خود را حول آنها متمرکز کرده است، عبارتند از اصلاحات ارضی، برچیدن پایتگاههای آمریکا، لغو همه قراردادهای نابرابر با انحصارات خارجی، تشکیل یک دولت انقلابی از همه نیروهای میهن پرست، آزادی همه زندانیان سیاسی و تحول بنیادین در نیروهای مسلح. بر این اساس احزاب و سازمانهای چپ مبارزات انتخاباتی اخیر را پیش بردند.

دستگاه حکومتی این کشور، نقش تعیین کننده ای بر عهده دارد. ابتکار عمل در مقابله با جنبش انقلابی، درست راموس وایلتنو است. آنها با فراهم کردن زمینه های سیاسی برای سرکوب، دست به کار ماموریت اصلی خود، یعنی "ریشه کن کردن کمونیستها" شده اند. از فوریه ۱۹۸۷ که آتش پس موقت میان ارتش و انقلابیون به پایان رسید، عملیات نیروهای مسلح علیه ارتش نوین خلق بطور مداوم رو به افزایش بوده است. علاوه بر ارتش، به ویژه در جنوب فیلیپین دستجات و گروههای چنایتکار از قماش باند "کوت کوت" که توسط افسران ارتش و با سرمایه "اتحادیه جهانی ضد کمونیستی" (که مقر آن در آمریکا است) سازماندهی شده اند، کارزار گسترده ای علیه انقلابیون آغاز کرده اند. کمونیست های شناخته شده، توسط این باندهای سیاه دستگیر و شکنجه شده و به وحشیانه ترین شکل به قتل می روند. دردم زوئن، برنابی بوسکائینو رهبر پیشین ارتش نوین خلق (معروف به فرمانده دانته) هدف یک سو قصد قرار گرفت و به شدت مجروح شد. نیروهای مترقی فیلیپین، مسئولیت این جنایات را بر عهده مقامات دولتی و ارتش می دانند.

در حالیکه تا چند ماه پیش، عملیات سرکوبگرانه عمدتاً محدود به مناطق روستایی بود، در ۲۲ ژانویه برای نخستین بار سربازان دولتی به روی تظاهرات دهقانان در مانیل آتش گشودند و ۲۲ تن را به قتل رساندند. این جنایت و نیز ترور رولاند و اولابا از رهبران اتحادیه های کارگری فیلیپین، به نقطه عطفی در سیاست دولت آکینو و در روابط انقلابیون با رژیم تبدیل شد. "جبهه ملی دموکراتیک"، نمایندگی سیاسی ارتش نوین خلق که تا آن هنگام مذاکرات صلح با دولت را به پیش می برد، پس از این حوادث، مذاکرات را ترک کرد.

موقعیت کنونی شهر و های چپ

نیروهای چپ در فیلیپین، مبارزه را هم در خارج از چهارچوب قوانین رژیم، و هم بطور علنی و قانونی پیش می برند. ارتش نوین خلق و نیروی سیاسی رهبری کننده آن، حزب کمونیست فیلیپین (سی.پی.بی.) از نظر دولت مانیل "غیر قانونی" هستند. سی.پی.بی. برای رژیم هیچگونه مشروعیت حقوقی قائل نیست و از شرکت در فرآیند قانون اساسی و انتخابات پارلمانی اجتناب کرده است. این حزب در عین



جشنواره صلح در استکهلم

قطع فوری جنگ ایران و عراق

هرساله، جشنواره بزرگی در کشورهای اسکاندیناوی برای تقویت مبارزه در راه صلح برپا می‌گردد. امسال نیز در روزهای ۲۴ تا ۲۸ ماه ژوئن سال جاری، جشنواره صلح با شعارهای "قطع آزمایش‌های هسته‌ای" و "منطقه اسکاندیناوی عاری از سلاح‌های هسته‌ای" در شهر استکهلم، برگزار شد. در این جشنواره نزدیک به ۴۰ هزار نفر شرکت کردند. در این گردهمایی صلح علاوه بر سازمان‌های سیاسی و محافل اجتماعی سوئدی و خارجی‌ها، مقام این کشور، گروه‌های متعدد مواد صلح از دیگر کشورهای منطقه اسکاندیناوی منجمله یک گروه چهارصدنفره که با دوچرخه خود را به محل جشنواره رسانده بودند شرکت داشتند. در جشنواره علاوه بر برنامه‌ها مختلف سیاسی و محافه،

برنامه‌های متنوع موسیقی و تئاتر نیز به اجرا درآمد.

فدائیان خلق در استکهلم در جلسات تدارکاتی کمیته برگزار کننده شرکت داشته و در برپایی جشن کمک کردند.

در روز ۲۷ ژوئن، میزگردی در محل چادر بین‌المللی در رابطه با جنگ ایران و عراق برپا گردید که در آن سخنرانان در مورد فجایع جنگ، اختناق و خفقان در ایران، جنایات جمهوری اسلامی علیه خلق‌های ایران و بویژه خلق کرد و وضعیت زنان در ایران به افشاگری پرداختند.

در طی جشنواره صلح استکهلم قطع‌نامه‌ای در مورد جنگ ایران و عراق صادر شد که متن قطع‌نامه را در ستون مقابل می‌خوانید



جنگ خانمان سوز ایران و عراق که هم اکنون هفت سال از آن می‌گذرد، به یک فاجعه ملی برای خلق‌های ایران و عراق تبدیل شده است.

بنابر اخبار موثق، یک میلیون تن از شهروندان ایرانی و عراقی جان خود را در این جنگ از دست داده‌اند، نیم میلیون زخمی و مہجروح شده‌اند، و سه میلیون بی‌خانمان گشته‌اند.

رژیم‌های دیکتاتوری در ایران و عراق جنگ راه وسیله‌ای برای تشدید ترور داخلی تبدیل کرده‌اند. سازمان‌های بین‌المللی اسناد تکانه‌دهنده‌ای در مورد اعدام‌های دسته‌جمعی، شکنجه‌های وحشیانه و ناپودی جسمی هزاران انسان در هر دو کشور می‌دهند. اسیران جنگی به طریق وحشیانه‌ای شکنجه می‌شوند، اهداف غیر نظامی با بی‌رحمی بمباران می‌شوند، رژیم عراق از سلاح‌های شیمیایی استفاده می‌کند و رژیم خمینی المفال ۱۶- ۱۲ ساله راه جبهه می‌فرستد.

این جنگ صلح جهانی را تهدید می‌کند. جنگ همچنین منطقه مهم استراتژیک خلیج فارس را متشنج کرده و رفت و آمد کشتی‌ها را به خطر انداخته و به همین طریق تهدیدی برای صلح جهانی شده است. ما سازمان‌ها و افراد شرکت

رژیم خمینی، محکوم و مطرود

تظاهرات و اعتراضات...

بقیه از صفحه قبل

می‌دادند. در این تظاهرات عده‌ای از مردم آلمان نیز پناهندگان راهبر می‌کردند. تظاهرات رکنسبورگ در اوایل ماه جاری صورت گرفت.

● در روز جمعه ۱۲ تیرماه، در شهر نورنبرگ تظاهراتی با شرکت بیش از هزار تن از شهروندان آلمانی و پناهندگان از ملیت‌های مختلف، برگزار شد. این تظاهرات در اعتراض به رفتار غیر انسانی با پناهندگان شامل اسکان در ساختمان‌های مخروبه، تعلل در رسیدگی به پرونده متقاضیان پناهندگی و... صورت گرفت. همه احزاب، سازمان‌ها و شخصیت‌های مترقی در نورنبرگ از این تظاهرات حمایت کردند.

● پناهندگان سیاسی مقیم شهر لاندسپوت از روز ۲۹ خردادماه در اعتراض به غیر انسانی بودن شرایط زیستی، از پذیرش چیره غذایی خودداری کردند.

بدون قید و شرط کلیه زندانیان سیاسی آزاد کردند.

جنگ ایران و عراق فوراً پایان یابد. امضاکندندگان نامه اعتراضی

فوق عبارتند از، انجمن دوستی سوئد - آلمان دموکراتیک

اتحاد فلسطینی‌ها در مالمو

حزب کمونیست کارگری - مالمو

سازمان جوانان حزب کمونیست چپ - منطقه جنوب سوئد

از طرف حزب کمونیست چپ -

بود

نامه اعتراضی دیگری در محکومیت جنایات رژیم جمهوری اسلامی در قبال زندانیان سیاسی به

سفارت جمهوری اسلامی در سوئد

ارسال شد. این نامه، امضای اندرش

یورنسن عضو هیات رئیسه این حزب را

در پای خود دارد.

انجمن‌های امضا کننده آن، برای، سفارت رژیم خمینی در سوئد ارسال شده است.

ما از طریق بیانیه مطبوعاتی نمایندگان سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در اروپا اطلاع یافتیم که در طی ماه آوریل تعدادی از زندانیان سیاسی، منجمله اعضای این سازمان اعدام شده‌اند بعد از این تاریخ نیز تعداد دیگری از زندانیان اعدام شده‌اند.

ما رفتار حکومت شما را با زندانیان سیاسی شدیداً محکوم می‌کنیم.

ما خواستاریم:

- بدون قید و شرط شکنجه و اعدام

زندانیان سیاسی پایان یابد.

- شکنجه‌های جسمی و روحی زندانیان فوراً قطع شود.

از سوی شخصیت‌های زیر در اعتراض نسبت به دستگیری فدائیان خلق و در هم بستگی با زندانیان سیاسی ایران بیانیه‌ای به امضا رسید:

- فرانسیس ورتز، نماینده حزب کمونیست فرانسه در پارلمان اروپا و عضو "کمیته دفاع از حقوق بشر در فرانسه و سراسر دنیا"

- سالم، نماینده جمهوری دموکراتیک صحرادر فرانسه

- سرژیوارتگا، آهنگساز نامی شیلیایی

- ژوزه اسپنوزا، عضو کمیته فدرال

حزب کمونیست فرانسه در پاریس

- مختار همان، عضو مشاور کمیته مرکزی

حزب مترقی سوسیالیست مراکش

زندانیان سیاسی باید آزاد شوند

جنگ باید فوراً پایان یابد

نامه زیر از سوی سازمان‌ها و

بزرگ ترین تظاهرات تاریخ کره جنوبی

شهروندی ۲۲۳۵ نفر را که به علت فعالیت سیاسی علیه رژیم از این حقوق محروم شده بودند، اعلام کرد. از جمله این افراد، کیم دای جونگ از رهبران اپوزیسیون بورژوازی است به گفته سختگوی دولت، "اعضای سازمانهای طرفدار کمونیسم" و نیز دانشجویانی که در سال ۱۹۸۶ یک ساختمان "سرویس اطلاعاتی آمریکا" در پوسان را به آتش کشیدند، از "عفو عمومی" حکومت مستثنی شده اند.

در کره جنوبی حدود ۳ هزار زندانی سیاسی وجود دارند. هفت گزشته بیش از ۵۰ تن از این تعداد آزاد شدند. دولت سئول اعلام کرده است ۲۰۰ زندانی که به علت "ترویج اندیشه های چپ" محکوم شده اند، آزاد خواهند شد.

در روز یکشنبه پنجم ژوئیه، لی هان یول دانشجوی ۲۱ ساله که ماه گذشته در جریان تظاهرات در سئول مورد اصابت یک نارنجک گاز اشک آور قرار گرفته بود و از آن هنگام در حالت اغما به سر می برد، درگذشت. بدنبال درگذشت لی، در روز پنجشنبه ۹ ژوئیه صدها هزار تن از مردم سئول به یادبود وی دست به تظاهرات علیه رژیم دیکتاتوری چون دوهوان زدند. این تظاهرات، بزرگترین تظاهرات تاریخ کره جنوبی بود. هنگامی که گروهی از مردم می خواستند به سمت کاخ ریاست جمهوری حرکت کنند، پلیس با گاز اشک آور به آنها حمله کرد.

دولت کره جنوبی در روز پنجشنبه احیای حقوق

مذاکرات کنگره ملی آفریقا با شخصیت های سفید پوست

تشریح استراتژی کنگره ملی آفریقا برای احیای نظام تبعیض نژادی در آفریقای جنوبی، و از جمله مبارزه مسلحانه، اختصاص داشت.

هیات ۵۰ نفره ای که به داکار سفر کرده است، متشکل از سیاستمداران اپوزیسیون، سرمایه داران، هنرمندان و دانشمندان است. ریاست این هیات را فردریک وان زیل سلابرت، رهبر پیشین "حزب پیشروی فدراتیو" که یک حزب لیبرال است، برعهده دارد. سلابرت هدف از مذاکرات با کنگره ملی آفریقا را جلوگیری از یک فاجعه در آفریقای جنوبی نامید.

در روز جمعه ۱۰ ژوئیه، مذاکرات کنگره ملی آفریقا با یک هیات ۵۰ نفره از شخصیت های سیاسی سفید پوست آفریقای جنوبی در داکار پایتخت سنگال آغاز شد. فرانسیس ملی، سختگوی کنگره ملی آفریقا پس از پایان نخستین دور این گفتگوها اظهار داشت این مذاکرات، نخستین فرصت جهت تشریح استراتژی این سازمان برای شخصیت های سفیدپوست و بررسی نقشی است که این شخصیت ها می توانند در پایان دادن به آپارتاید ایفا کنند.

الکس بورین، یکی از اعضای هیات شخصیت های سفیدپوست، گفت دور اول گفتگوها به

ادامه ناآرامی در هائیتی

تاکنون در درگیری میان مردم و نیروهای سرکوبگر رژیم هائیتی، ۲۴ تن از مردم بدست پلیس و ارتش به قتل رسیده اند.

تظاهرات روز سه شنبه در هائیتی، بزرگترین تظاهرات از آغاز ناآرامی های اخیر در این کشور بود.

در هائیتی تظاهرات و اعتراضات علیه رژیم ژنرال هائری نامفی ادامه دارد. در روز سه شنبه ۷ ژوئیه هزاران تن در برابر کاخ ریاست جمهوری در پورت اوپرنس پایتخت هائیتی دست به تظاهرات زده و خواهان کناره گیری شورای نظامی سه نفره حاکم به ریاست ژنرال نامفی گردیدند.

شکست های نظامی ضد انقلاب نیکارگوئه

انقلابی که کوشیدند با حدود ۱۴۰۰ نفر مسلح به نزدیکی استلی و خینوتکا، دومرکز استان، رخنه کنند، شکست خورد. وی افزود عملیات ضد انقلابیون برای تسخیر مناطقی در استانهای نوئا اسکویا و زلایا نیز به شکست انجامیده است. به گفته کاربون، ضدانقلاب علیرغم بهبود آموزش نفرات خود، افزایش کمک رسانی از هوا و در اختیار گرفتن مجهزترین سیستم مخابراتی که توسط واشنگتن تامین شده است، نخواهد توانست از شکست استراتژیک خود که پیوسته آشکارتر می گردد، جلوگیری کند.

خاویر کربون، معاون رئیس ستاد ارتش خلقی ساندینیست، طی یک مصاحبه مطبوعاتی در ماناگو اعلام کرد ظرف چهار هفته گذشته، نیروهای دولت انقلابی نیکارگوئه ۶۲۵ تن از افراد مسلح ضد انقلاب را از پای آورده اند. وی افزود در این مدت، ضد انقلاب حملات خود را علیه تأسیسات اقتصادی و سایر اهداف غیر نظامی تشدید کرده است. در ماه ژوئن، در جریان این حملات ۲۲ غیر نظامی کشته، ۴۴ تن مجروح و شمار زیادی ربوده شدند.

مقام دولتی مزیور گفت تلاشهای پاندهای ضد

اعتصاب در السالوادور

افزایش دستمزد خود مبارزه می کنند، صورت گرفته است. در سراسر السالوادور، کارگران و کارمندان ۲۶ موسسه و کارخانه دولتی و خصوصی دست از کار کشیدند.

در روز چهارشنبه هشتم ژوئیه، پلیس در سالوادور پایتخت السالوادور به تظاهرات کارگران حمله کرده و ۲۲ تن را مجروح ساخته بود.

حدود ۱۰۰ هزار نفر عضو اتحادیه های کارگری در السالوادور در اعتراض به استفاده پلیس از اسلحه گرم در مقابله با تظاهرات کارگری، دست به اعتصاب زدند. "اتحادیه ملی کارگران السالوادور" که فراخوان به این اعتصاب را صادر کرده بود، اعلام کرد اعتصاب ۸ ساعته در این کشور همچنین برای همبستگی با کارکنان بیمارستانها که در راه

سیکهای افرای ۲۸ غیر نظامی را

به قتل رساندند

در روز دوشنبه ششم ژوئیه، تروریست های سیک در شهر لارو واقع در ایالت پنجاب هند به یک اتوبوس حمله کردند و ۲۸ تن از مسافران این اتوبوس را که هندو و عازم یکی از زیارتگاههای هندوها بودند، به قتل رساندند. در این حادثه ۲۲ تن از مسافران اتوبوس مجروح شدند.

تروریست ها نخست با اتوبوس خود راه را بر اتوبوس بستند و سپس مسافران را به رکهار بستند.

در میان قربانیان، پنج زن و چهار کودک دیده می شوند. یکی از مهاجمین نیز هدف گلوله هندستان خود قرار گرفت و کشته شد.

بدنبال این جنایت، احزاب و شخصیت های سیاسی در اعتراض به سیک های افرای دعوت به اعتصاب عمومی کردند. در روز پنجشنبه نهم ژوئیه، سه ایالت پنجاب، هاریانا و هیمالچال پرادش که در شمال هند واقع شده اند، شاهد یک اعتصاب سراسری بودند. فروشگاههای، ادارات و مدارس در این روز تعطیل شدند و حمل و نقل عمومی متوقف گردید.

اخبار کوتاه

● محاکمه شش تن از مسئولان پیشین نیروگاه اتمی چرنوبیل که در سال گذشته وقوع سانحه در آن، به عواقب وخیمی برای محیط پیرامون نیروگاه انجامید، آغاز شد. مدیر سابق نیروگاه در زمره متهمان است. اتهام افراد مزبور، نقض مقررات ایمنی در کارخانجاتی است که خطر انفجار در آنها وجود دارد. کیفرخواست دادستان، مسئولیت کشته شدن ماموران آتش نشانی و سایر عواقب وخیم سانحه چرنوبیل را بر عهده متهمان دانسته است.

● کلاوس باربی، جنایتکار نازی، معروف به "قصاب لیون" توسط دادگاه این شهر در فرانسه، محکوم به زندان ابد شد.



● کنفرانس بیش از ۲۰ حزب کمونیست و کارگری منطقه شرق آسیا و اقیانوس آرام در اولان باتور پایتخت جمهوری توده ای مغولستان گشایش یافت. در این کنفرانس، مسائل مربوط به مبارزه در راه خلق سلاح و تبدیل اقیانوس آرام به منطقه صلح، در اس دستور کار قرار دارد.

● اوژال نخست وزیر ترکیه اظهار داشت ارتش این کشور عملیات سرکوب جنبش ملی کرد را تشدید خواهد کرد. بهانه رژیم آنکارا برای این اقدام، قتل شماری از ساکنان روستاهای ترک نشین شرق این کشور است که رژیم آن را به "حزب کارگران کردستان" نسبت می دهد.

منتشر شد

شماره ۱۷ "آموزشهایی از انقلاب و سوسیالیسم" انتشار یافت. در این شماره ترجمه مقالات زیر درج شده است:

- ۱- قدرت حیات تاکتیک های انقلابی لنین (از نشریه صلح و سوسیالیسم)
 - ۲- نقش عنصر ذهنی در مبارزه برای سوسیالیسم (یوری کراسین)
 - ۳- نیروی سازمان یافته و سازمان دهنده (از نشریه صلح و سوسیالیسم)
 - ۴- شیوه نگرش لنین به مسائل جنبش های رهایی بخش ملی (و. سوخانووا).
- مقاله اول نشرده مباحث کمیون مسائل تلوریک عام نشریه مسائل صلح و سوسیالیسم حول اثر فنانا پذیر لنین "دوتاکتیک سوسیال دموکراسی در انقلاب دموکراتیک" است. اهمیت روش شناسانه مقوله خلق

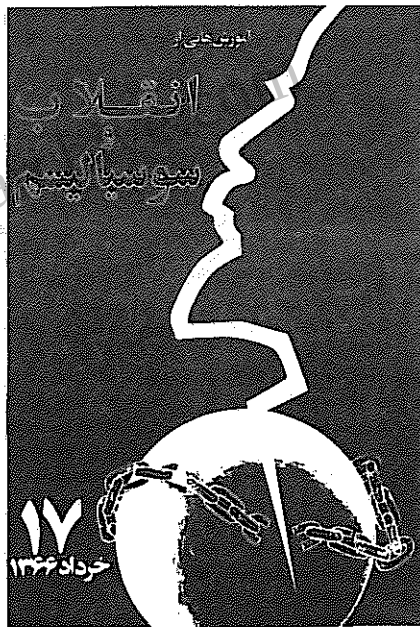
و دموکراسی به مقابله عرصه مبارزه طبقاتی. از جمله موضوعات عمده این مقاله است.

مقاله آخر نیز مستقیماً به بررسی اندیشه های لنین اختصاص دارد. در این مقاله تلاش می شود خطوط عمده مطروحه در آثار لنین در زمینه مسائل جنبش های رهایی بخش ملی تبیین گردد.

در مقاله دوم دینامیس عامل ذهنی و آگاهی طبقاتی در مبارزه برای سوسیالیسم بررسی می شود. در این مقاله تأکید شده است، "بیان این که عامل ذهنی انقلاب سوسیالیستی به وسیله شرایط اقتصادی و اجتماعی معین

می شود، به هیچ وجه به این معنا نیست که موضوع و برخورد کلیه نیروهای اجتماعی - طبقاتی و نیروهای سیاسی در قبال سوسیالیسم را یک بار و برای همیشه تعیین کرده باشیم. هیچ گاه میان موقعیت طبقات و گروه های اجتماعی و موضع سیاسی شان چنین رابطه جامد و اختلاف ناپذیری وجود ندارد."

مقاله "نیروی سازمان یافته و سازمان دهنده" که از نشریه صلح و سوسیالیسم برگرفته شده است در ادامه مقالاتی است که در این نشریه با عنوان "خصوصیات یک سازمان کمونیستی" درج گردیده است. این مقاله نیز بازتاب دهنده بحثی در تحریریه این نشریه است که موضوع سانترالیسم دموکراتیک و کار حزب در میان توده ها، از جمله محورهای آن است. ●



جنگ شیمیایی در متون فقهی

آیت الله صانعی امام جمعه موقت قم در خطبه های نماز جمعه این شهر بر روی جنگ شیمیایی به شدت تأکید کرده، استفاده از سلاح های شیمیایی را شرعی اعلام نموده و گفته است، "آیا وقت آن نرسیده که در برابر حملات شیمیایی دشمن، شورای عالی دفاع دستور به مقابله به مثل بدهد؟" این آیت الله که از سران حوزه علمیه قم است، در متون فقهی کنکاش وسیعی به به عمل آورده و به این نتیجه رسیده است که شرع انور، خود از چند صد سال پیش ضرورت مبادرت به جنگ شیمیایی را

اعلام کرده است. فقهی به نام کشف العیال که نوشته هاش از ارکان تفکر حوزه علمیه است، نوشته است، "می توان برای دفع دشمن خبر سازی کرد. راه دیگر این است که چاه پاشه چاهی بکنند که دشمن در آن افتاده و از بین برود. همچنین سم در غذای آنها بریزند." (رساله ۷- تیر) آیت الله صانعی از این رهنمود آخر به این نتیجه رسیده است که شرع انور خود در زمینه استفاده از سلاح های شیمیایی پیش از این بوده و در کتاب های فقهی ۱۰۰ سال پیش نیز دستورات لازمه در این مورد داده شده است. ●

بحران در روند عادی سازی

روابط جمهوری اسلامی با فرانسه

وزارت امور خارجه فرانسه خواست که به نفع گرجی وارد ماجر شود تا "هر چه زودتر مساله حل شود". در این مصاحبه، تروریست فراری، وحید گرجی، نقش مترجم کاردار را داشت.

این امر که حدادی برای حل و فصل ماجرا از وزیر خارجه فرانسه استمداد جست بر این زمینه استوار است که وزارت امور خارجه دولت شریک برای بهبود روابط با رژیم خمینی اهمیت زیادی قائل است. رژیم جمهوری اسلامی در وضعیتی است که تمام کشورهای امپریالیستی باتمام قوا برای شرکت در حراچی که رژیم چوب آن را بر ثروت ملی ایران زده است، بخت خود را می آزمایند، اگر چه در این میان گاه بین ارکان های مختلف این کشورها و وظایف مختلفی را دنبال می کنند تا هماهنگی هایی نیز پدید می آید. در این زمینه هفته نامه نول ابرواتور به تاریخ ۱۸ ژوئن بقیه در صفحه ۱۱

با پناه دادن سفارت جمهوری اسلامی در فرانسه به وحید گرجی، فردی که طبق تحقیقات پلیس فرانسه در فعالیت های تروریستی و همپ گذاری های سال ۱۹۸۶ در پاریس، شرکت داشت، روند پیشرفت عادی شدن روابط رژیم های ایران و فرانسه با دشواری هایی مواجه شده است. به دنبال رد کبری هایی که توسط مقامات امنیتی فرانسه در زمینه شناسایی عوامل اقدامات تروریستی در فرانسه صورت گرفت، پای وحید گرجی مترجم سفارت رژیم خمینی در پاریس نیز به میان کشیده شد و قاضی برای وی حکم حضور در مقابل بازجو بعنوان شاهد را امضا کرد. اما وحید گرجی به سفارت جمهوری اسلامی گریخت. وزیر کشور فرانسه نیز دستور محاصره سفارت و کنترل ورود و خروج به ساختمان آن را صادر نمود. به دنبال این وقایع، حدادی کاردار سفارت خمینی یک مصاحبه مطبوعاتی در محل سفارت بر پا کرد. وی از

برای اشتراك نشریات «کار» و «اکثریت» در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراك «کوپن بین المللی پستی» و یا رسید بانکی پرداخت بهای اشتراك به آدرس نشریه ارسال نمایید:

دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراك	شش ماهه	☐
۱۶ مارك	۱۴ مارك	نشریه «کار»	يك ساله	☐
۳۰	۲۷			

دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراك	سه ماهه	☐
۳۶ مارك	۳۳ مارك	نشریه «اکثریت»	شش ماهه	☐
۷۰	۶۴		يك ساله	☐
۱۳۸	۱۲۵			

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید)

AKSARIYAT
NO.165
MONDAY, JUL 13, 87

آدرس:
Address:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

حساب بانکی:
AUSTRIA - WIEN
BAWAG
(BANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT)
NR. 02910701.650
DR. GERTRAUD ARTNER

با جمع آوری کمک مالی
فدائیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی
یاری دهید